گناه و آثار شوم آن

در زندگى امت از قرآن و سنت

تأليف:

أبو محمد عبدالله بن محمد بن عبدالرحمن السدحان

ترجمه:

اسحاق بن عبدالله العوضي

چاپ اول 1428/1386هـ

**المكتب التعاوني للدعوة وتوعية الجاليات بالربوة بمدينة الرياض**

**1428 – 2007**

[الإسلام بين يدي الملايين! شعار حملناه لنشر الإسلام الصحيح والفقه في الدين المستمد من الكتاب والسنة بفهم سلف هذه الأمة بعشرات لغات العالم](http://www.islamhouse.com/)

شناسنامه کتاب

ــــــــــــــــــــــــــــــــــــ

نام کتاب : شؤم المعصية وأثره في حيات الأمة من الكتاب والسنة.

مترجم : إسحاق بن عبدالله العوضي.

نویسنده : عبدالله بن محمد السدحان.

ناشر : انتشارات حقیقت.

تیراژ : 10000.

سال چاپ : 1386هـ .ش برابر با ذى حجه 1428 . ق.

نوبت چاپ : اول.

آدرس ایمیل: En\_Haghighat@yahoo.com

سايتهاي مفيد اسلامي: [www.aqeedeh.com](http://www.aqeedeh.com/)

[www.ahlesonnat.net](http://www.ahlesonnat.net/)

[www.isl.org.uk](http://www.isl.org.uk/)

[www.islamtape.com](http://www.islamtape.com/)

فهرست مطالب

| م | عنوان | ص |
| --- | --- | --- |
|  | **تقديم شیخ عبدالله عبدالرحمن بن جبرین درباره این رساله** | 6 |
|  | **مقدمه** | 8 |
|  | **پیشگفتار** | 13 |
|  | **ریشه گناه** | 13 |
|  | **آثار گناه آدم و حوا بر فرزندان‌شان چیست؟** | 14 |
|  | **اولین گناه و نافرمانی که در زمین انجام گرفت** | 16 |
|  | **فصل اول: اسباب گناه** | 17 |
|  | **فصل دوم: آثار گناه در گذشتگان** | 19 |
|  | **یوسف ؛** | 19 |
|  | **یازده برادر یوسف و بنی‌اسرائیل که فرزندان آنها بودند** | 20 |
|  | **شوم بودن فرعون برای خویش و خانواده و اطرافیانش** | 25 |
|  | **راز عذاب همیشگی کافران در جهنم** | 28 |
|  | **فصل سوم: آثار گناه در امت محمد ص** | 30 |
|  | **مردی که به پیامبر ص گفت با عدالت رفتار نکردی** | 30 |
|  | **پنهان شدن لیله‌القدر** | 31 |
|  | **شتر نفرین شده** | 32 |
|  | **دعای پیامبر ص علیه طائفه مضر** | 32 |
|  | **محروم بودن از باران** | 33 |
|  | **مجازات خداوند نیکوکار و بدکار را فرامی‌گیرد** | 34 |
|  | **فصل چهارم: کارهای بسیار خطرناکی که انسان متوجه آن نمی‌شود، بسیار شوم و زود رخ خواهد داد** | 37 |
|  | **نافرمانی پدر و مادر و قطع خویشاوندی** | 37 |
|  | **زنا کردن و مقدمات آن** | 39 |
|  | **بلاء موکل به سخن است** | 45 |
|  | **لعنت و آثار شوم آن** | 46 |
|  | **وسواس بودن** | 48 |
|  | **فصل پنجم: آثار گناهان بر انسان** | 51 |
|  | **آثار ترک گناهان در دنیا** | 54 |
|  | **آثار ترک گناهان به هنگام مرگ** | 55 |
|  | **آثار ترک گناهان در روز قیامت** | 56 |
|  | **فصل ششم: توبه و شرایط آن** | 57 |
|  | **فصل هفتم: پاک‌کننده‌های گناه** | 66 |
|  | **چگونه خود را از فکر گناه محافظت می‌کنید** | 68 |
|  | **فصل هشتم: کیفر و عقاب گناه – گرچه پس از مدتی هم باشد – واقع می‌شود** | 73 |
|  | **اغفال شدن به رحمت خداوند جهل است** | 75 |
|  | **فصل نهم: راه رهائی از گناهان شوم** | 77 |
|  | **فصل دهم: «گناهانی که باید از آن پرهیز شود، و پیامبر ص از آن نهی فرموده است** | 81 |
|  | **خاتمه** | 95 |
|  | **منابع و مأخذ** | 97 |

🟔🏵🟔🏵🟔

ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ

# تقديم شیخ دكتر عبدالله عبدالرحمن بن جبرین

الحمد لله رب العالمين، وصلى ‌الله على محمد وآله وصحبه وسلم

رساله تألیف برادر محترم دكتر عبدالله ‌بن محمد سدحان را مطالعه کردم، و ملاحظه کردم که ایشان روایات و اندرزهای ارزند‌ه‌ای انتخاب نموده‌اند و شاهکار بزرگ كرده‌اند، و به شیوه استادانه و شایسته مقصود را رسانده‌اند. و چون ایشان مشاهده کرده‌اند بسیاری از مسلمانان در منجلاب گناه فرو رفته‌اند، و بر گناهان اصرار می‌ورزند، و به عواقب آن توجه نمی‌کنند اقدام به تألیف این رساله نموده‌اند.

بی‌تردید گناه و عصیان عامل از بین رفتن برکت و نزول عذاب الهی است، و آنچه بر سر پیشینیان آمد مجازات و کیفر زودرسی (بخاطر کفر و شرک و اصرار بر گناه و نافرمانی) بوده است، و کیفر زودرس شدیدتر و به یادماندنی‌تر است، خداوند درباره برخی از مجازات‌شدگان در دنیا می‌گو‌ید: ﮋ ﯥ ﯦ ﯧ ﯨ ﯩ ﯪ ﯫ ﯬ ﯭﯮ ﯯ ﯰ ﯱ ﯲ ﯳ ﯴ ﮊ. (الحشر: 3).

«و اگر نه اين بود كه خداوند ترك وطن را بر آنان مقرّر داشته بود آنها را در همين دنيا مجازات مي‌كرد، و براي آنها در آخرت نيز عذاب آتش است ».

و همراه با آن چه می‌خوانیم و میشنویم، و با وجود این همه نصیحت‌ها و پندها، بسیاری از کشورها و افراد و گروه‌هائی که به اسلام مباهات می‌کنند را می‌بینیم که بر گناهان کبیره اصرار می‌ورزند، و به گناه کردن افتخار می‌کنند، و یکی از آن عاصیان به گناهش فخر می‌نمود، گویا کار نیک انجام داده، و آرزوی پاداش آن را دارد، و این افتخارکردن فریب و وسوسه شیطان است، پس بر هر مسلمانی واجب است به پروردگار روی آورد و رفتار خویش را اصلاح کند و توبه نماید، و بر گناهان گذشته خویش اندوهگین شود، و پروردگار توبه بندگان را می‌پذیرد و گناهان را مورد عفو قرار می‌دهد.

و صلى ‌الله على سيدنا محمد وآله وصحبه وسلم

عبدالله بن عبدالرحمن الجبرين

عضو افتاء

🟔🏵🟔🏵🟔

# مقدمه

سپاس و ستایش از آن خداوند است، و او را می‌ستائیم و از او هدایت و یاری می‌جوئیم. و از شر نفس و بدی کردار به او پناه می‌بریم، خدا هر کسی را هدایت کند گمراه‌کننده‌ای ندارد، و هر که را گمراه کند هدایت‌کننده‌ای ندارد، و بر پیامبر ص رحمت و هدایت درود و سلام می‌فرستیم، پیامبری كه خداوند او را پس از انقطاع وحی فرستاد تا مردم را به استوارترین آئین هدایت کند، و بواسطه او چشم‌های کور و گوش‌های کر و دل‌های غافل را باز کرد.

چه بسا مردمانی از سنگدلی و از بین رفتن برکت و وسوسه‌های شیطان و مشغول شدن به دنیا به جای دین شکایت می‌کنند.

و از فرموده پروردگار غافل هستند که می‌فرماید: ﮋﯶ ﯷ ﯸ ﯹ ﯺ ﯻ ﯼ ﮊ. (ابراهیم: 42).

«گمان مبر كه خدا، از آنچه ظالمان انجام مى‏دهند، غافل است».

میمون ‌بن هارون : در معنای این آیه می‌گوید: (این آیه تسلی خاطر برای ستمدیده‌ و تهدید برای ستمگر است). ابراهیم ‌بن ادهم : می‌گوید: (ما نسلی بهشتی بودیم ابلیس با معصیت ما را فریب داد و از آن رانده شدیم، پس شایسته است که انسان گناهکار به زندگی خرسند نشود تا به وطنش «بهشت» بازگردد).

بنابراین همه این بدبختی‌ها جز بهره گناه و شوم بودن آن چیز دیگری نیست، خداوند می‌فرماید: ﮋ ﯬ ﯭ ﯮ ﯯ ﯰ ﯱ ﯲ ﯳ ﯴ ﮊ. (القلم: 35-36).

«آيا مؤمناني را (كه در برابر حق و عدالت تسليمند) همچون مشركان و مجرمان قرار دهيم. شما را چه مي‌شود؟ چگونه داوري مي‌كنيد؟».

ﮋ ﯠ ﯡ ﯢ ﯣ ﯤ ﯥ ﯦ ﯧ ﯨ ﯩ ﯪ ﯫ ﯬ ﯭﯮ ﯯ ﯰ ﯱ ﯲ ﮊ. (الجاثیه: 21).

«آيا كسانى كه مرتكب بديها و گناهان شدند گمان كردند كه ما آنها را همچون كسانى قرار مى‏دهيم كه ايمان آورده و اعمال صالح انجام داده‏اند كه حيات و مرگشان (در دنيا و آخرت) يكسان باشد؟! چه بد داورى مى‏كنند».

ﮋﭤ ﭥ ﭦ ﭧ ﭨ ﭩ ﭪﭫ ﭬ ﭭ ﭮ ﭯ ﭰ ﭱ ﮊ. (ص: 28).

«آيا كسانى را كه ايمان آورده و كارهاى شايسته انجام داده‏اند همچون مفسدان در زمين قرار مى‏دهيم، يا پرهيزگاران را همچون فاجران؟!».

عامل گناه غفلت و شهوت است چنانچه شیخ الاسلام ابن تیمیه : می‌گوید: (غفلت و شهوت گناهکار را به گناه تشویق می‌کند و ریشه بدبختی است) خداوند در قرآن می‌فرماید: ﮋ ﭥ ﭦ ﭧ ﭨ ﭩ ﭪ ﭫ ﭬ ﭭ ﭮ ﭯ ﭰ ﭱ ﮊ. (الکهف:28).

«و از كسانى كه قلبشان را از ياد خود غافل ساختيم اطاعت مكن! همانها كه از هواى نفس پيروى كردند، و كارهايشان افراطى است».

و هوس و نادانی با هم علت گناهان است، چون اگر شخص هوس باز بداند که هوی و هوس بسیار آسیب‌رسان است قطعاً از آن دوری می‌کند، به همین خاطر صحابه ن می‌گویند: (هر کسی که نافرمانی خداوند می‌کند نادان و جاهل است).

ولیکن این بیچاره به نادانی‌اش معذور نیست، پس گناهکار بایـد در عواقب گنـاه و بـدبختی حاصل از آن در دنیا و آخـرت - پناه به خدا - بیاندیشد، چون گناهکار هنگامی که گناه می‌کند، نافرمانی چه کسی می‌کند؟ نافرمانی مالک هستی می‌کند!

بلال ‌بن سعد : می‌گوید: (به ناچیزی گناه نگاه مکن، بلکه به عظمت کسی که نافرمانی‌اش می‌کنید نگاه کن).

آنچه مرا به نوشتن این رساله واداشت این است که مشاهده کردم بسیاری از مسلمانان متأسفانه در ارتکاب گناه سهل‌انگاری نموده، و می‌پندارند که توبه محض گناهان را پاک می‌کند.

ابن قیم : می‌‌گوید: (گناه زخم است، و چه بسا زخم در جای کشنده باشد).

به خدا سوگند توبه تنها کافی نیست؛ بلکه لازم است انسان پشیمان شده و بیمناک باشد و همیشه طلب مغفرت نماید و همراه با آن احسان و کار نیک انجام دهد تا از جمله رستگاران مقرب قرار گیرد، خداوند می‌فرماید: ﮋ ﭲ ﭳ ﭴ ﭵ ﭶ ﭷ ﭸ ﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﭽﭾ ﭿ ﮀ ﮁ ﮂﮃﮊ. (الفرقان: 70). «مگر كسانى كه توبه كنند و ايمان آورند و عمل صالح انجام دهند، كه خداوند گناهان آنان را به حسنات مبدل مى‏كند; و خداوند همواره آمرزنده و مهربان بوده است!».

و در آیه دیگر می‌فرماید: ﮋ ﮄ ﮅ ﮆ ﮇ ﮈ ﮉ ﮊ ﮋ ﮌ ﮍ ﮊ. (الفرقان: 71).

«و كسى كه توبه كند و عمل صالح انجام دهد، بسوى خدا بازگشت مى‏كند (و پاداش خود را از او مى‏گيرد)».

ای برادر مسلمان: هنگامی که جان و نفس، شما را به گناه کردن فراخواند، و به انجام آن فکر کردی و در دل تصمیم به ارتکاب آن گرفتی، مطالبی که درباره شوم بودن گناه و عاقبت آن – که در ضمن این رساله می‌آید – را بخوانید، و عظمت آفریدگار و فضلش بر خویش را به یاد آورید، خدای که نعمت سلامتی و عافیت را به شما عطا کرده است، و اگر این نعمت‌ها نبودند نمی‌توانستی گناه انجام بدهی، برادر رفتارت را با هم مقایسه کن، لذت گناه چند لحظه است، امیدوارم هنگام گناه کردن تلخی محرومیت را به یاد آورید، فایده در لذتی نیست که عاقبت آن آتش است.

از پروردگار خواستارم که ما و شما را از پلیدی و گناه محفوظ بدارد.

خدایا آرزوهایمان را برآورده کن، و عاقبت ما را نیکو گردان، و راه رسیدن به خشنودی را برایمان هموار ساز، و دست ما را در رسیدن به امور خیر بگیر، و در دنیا و آخرت به ما رحمت عطا فرما، ای غفار از مرحمت و مهربانی‌ات ما را از آتش جهنم محفوظ بفرما.

وصلى‌الله على محمد وعلى آله وصحبه وسلم

🟔🏵🟔🏵🟔

# پیشگفتار

# ریشه‌ى گناه

«اولین گناه و نافرمانی که در آسمان انجام گرفت»[[1]](#footnote-1).

اولین گناه در آسمان حسادت ابلیس به آدم بود، آنگاه که خداوند به او فرمان داد برای آدم سجده نماید، بخاطر تکبر و غرور و خودخواهی سجده نبرد.

پس از آن، گناه آدم و حوا بود، آنگاه که خداوند به آنها دستور داد از ثمر درخت نخورند بـه تشویـق ابلیس - لعنت خدا بر او باد - از آن خوردند، سپس توبه کردند و خداوند توبه آنها را پذیرفت، و علت آن: «چون گناه، ترک فرمان در نزد خداوند از ارتکاب نهی بزرگ‌تر است، بخاطر این آدم از خوردن درخت نهی شده بود، و خداوند توبه او را پذیرفت، و به ابلیس دستور داده بود برای آدم سجده ببرد و چون امتثال امر نکرد توبه‌اش مورد پذیرش قرار نگرفت[[2]](#footnote-2)، چون غالباً منشاء ارتکاب نهی، شهوت و نیار است، و منشاء ترک فرمان و امر، تکبر و خودخواهی است، و کسی که به اندازه ذره‌ای تکبر در قلبش باشد وارد بهشت نمی‌شود، اما کسی که بر توحید بمیرد گرچه زنا و دزدی نيز کرده باشد، وارد بهشت می‌شود»[[3]](#footnote-3).

پس هر کسی اوامر پروردگار مانند نماز و امثال آن را ترک کند، بی‌تردید در برابر خطر بزرگی قرار گرفته است.

# آثار گناه آدم و حوا بر فرزندان‌شان چیست؟

ابوهریره از پیامبر ص روایت می‌کند که فرمودند: (اگر حوا نبود هرگز زنی به شوهرش خیانت نمی‌کرد)[[4]](#footnote-4). منظور از حدیث این است که حوا آدم را به مخالفت فرمان پروردگار و خوردن از ثمر درخت تشویق و ترغیب کرد، و مراد از خیانت زنا کردن نیست، و ریشه آن بخاطر شومی گناه در دخترانش باقی ماند.

ابوهریره از پیامبر ص روایت می‌کند که فرمودند: «هنگامی که خداوند آدم را آفرید بر پشت وی دستی کشید و نسل هر فردی از فرزندانش تا روز قیامت خارج شد، و بر پیشانی هر فردی ذره‌ای نور قرار داد، سپس آنها را به آدم نشان داد، آدم گفت: پروردگارا! آنها کی هستند؟ گفت: فرزندانت هستند، آدم مردی را دید نور پیشانیش او را شگفت زده کرد، گفت: پروردگارا! این کیست؟ گفت: مردی از آخرین فرزندانت است و نامش داود است، گفت: پروردگارا چند سال سن به او عطا کرده‌ای؟ گفت: شصت سال، گفت: پروردگارا! چهل سال از سن من به او عطا کن، و هنگامی که سن آدم تمام شد فرشته مرگ به نزدش آمد، آدم گفت: مگر چهل سال از سن من باقی نمانده است؟ ملك الموت گفت: مگر آن را به فرزندت داود نداده‌ای؟ پیامبر ص گفت: آدم انکار کرد پس فرزندانش انکار می‌کنند! و آدم خطا کرد، فرزندانش نیز خطا می‌کنند!»[[5]](#footnote-5).

آدم فراموش کرد که پروردگار او را از خوردن ثمر درخت نهی کرده است، و بخاطر شومی و بدی معصیت فراموشی نیز به فرزندانش سرایت کرد. و آدم و همسرش با خوردن ثمر درخت خطا کردند، و این خطا بخاطر شومی و بدی گناه به فرزندانش سرایت کرد، و آدم انکار کرد که چهل سال عمرش به داود داده است، و این انکار بخاطر شومی و بدی گناه به فرزندانش سرایت کرد.

# اولین گناه و نافرمانی که در زمین انجام گرفت[[6]](#footnote-6).

اولین گناه در زمین حسادت قابیل به برادرش هابیل بود تا جای که او را بقتل رساند، أعمش از عبدالله ‌بن مره از مسروق از عبدالله بن مسعود روایت می‌کند که پیامبر ص فرمودند: هر کسی در زمین کشته شود برخى از گناه آن بر گردن قابیل است، چون او اولین کسی است که قتل را به راه انداخت[[7]](#footnote-7).

هر کسی به ظلم کشته شود برخی از گناه آن گریبان‌گیر قابیل است، و این بخاطر شومی و بدی گناه است.

🟔🏵🟔🏵🟔

# فصل اول

# اسباب گناه

گناهان اسباب و عواملی دارند که بصورت خلاصه چنانچه ابن قیم آورده است به سه چیز برمی‌گردد:

1- وابستگی قلب به غیر خداوند، و آن منجر به شرک می‌شود.

2- پیروی از نیروی قهری، و آن منجر به ظلم کردن می‌شود.

3- پیروی از نیروی شهوانی، و آن منجر به فاحشه‌گری می‌شود.

و عاقبت وابستگی به غیرخدا: شرک، و باور به خدای دیگر است.

و عاقبت پیروی از نیروی قهری: قتل است.

و عاقبت پیروی از نیروی شهوانی: زنا کردن است.

بدین سبب خداوند هر سه را در يك آيه چنين آورده است: ﮋﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﭚ ﭛ ﭜ ﭝ ﭞ ﭟ ﭠ ﭡﭢ ﭣ ﭤ ﭥ ﭦ ﭧ ﭨ ﮊ. (الفرقان: 68).

«و كسانى كه معبود ديگرى را با خداوند نمى‏خوانند; و انسانى را كه خداوند خونش را حرام شمرده، جز بحق نمى‏كشند; و زنا نمى‏كنند; و هر كس چنين كند، مجازات سختى خواهد ديد».

و برخی از اینها باعث به وجود آمدن دیگری می‌شود، شرک آدم را به ظلم و فاحشه‌گری وامی‌دارد، چنانچه توحید و اخلاص آدم را از آن دور می‌دارد[[8]](#footnote-8).

به خدا سوگند این عاقبت تلخ‌ ماست، تا جایی که سران کفر بر گردن مسلمانان بدون شفقت و مهربانی تسلط یافته‌اند، و هر فاجعه‌ای در گوشه گوشه جهان رخ می‌دهد مسلمانان نصیب بزرگی در آن دارند، **«ولاحول و لاقوة إلا بالله العظیم»** و این - پناه به خدا - به خاطر شومی و بدی گناه می‌باشد.

🟔🏵🟔🏵🟔

# فصل دوم

# آثار گناه در گذشتگان

## یوسف ؛:

حسن از پیامبر ص روایت می‌کند که فرمودند: رحمت خدا بر یوسف اگر به آن زندانی نمی‌گفت: ﮋ ﯙ ﯚ ﯛ ﮊ. (يوسف:٤٢). **«**مرا نزد صاحبت (سلطان مصر) يادآورى كن!». این مدت در زندان باقی نمی‌ماند، سپس حسن گریه می‌کند و می‌گوید: ما هر گاه مشکلی رخ دهد دست به دامان مردم می‌شویم[[9]](#footnote-9).

## یازده برادر یوسف و بنی‌اسرائیل که فرزندان آنها بودند:

و قصه آنها نسبت به برادرشان «یوسف» در قرآن مشهور است، و در آن قصه آمده است: ﮋ ﮊ ﮋ ﮌ ﮍ ﮊ . (يوسف: ٨).

«یوسف در نزد پدرمان از ما محبوبتر است».

و این حسادت آنها بود، و این حسادت به فرزندان آنها سرایت کرد، و سخن آنها: ﮋ ﯞ ﯟ ﯠ ﯡ ﯢ ﯣ ﯤ ﯥﮊ . (يوسف: ٧٧).

«اگر او (بنيامين) دزدى كند، (جاى تعجب نيست;) برادرش (يوسف) نيز قبل از او دزدى كرد».

و این تهمت و دروغ بود، و تهمت و دروغ به فرزندان آنها سرایت کرد، و سخن آنها: ﮋ ﮖ ﮗ ﮊ. (يوسف:٩).

«یوسف را بکشید».

آنها بخاطر نیل به اهداف و عملی کردن نقشه شوم‌ به هر چیزی – گرچه کشتن یوسف هم باشد – متوسل شدند، و این رفتار ناپسند در فرزندانشان باقی ماند[[10]](#footnote-10).

و سخن آنها: ﮋ ﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﭽ ﮊ . (يوسف:٦٥).

«و برادرمان را حفظ خواهيم كرد; و يك بار شتر زيادتر دريافت خواهيم داشت».

این سخن ناشی از محبت ثروت‌اندوزی آنها بود و به نسل آنها بنی‌اسرائیل انتقال یافت، و آنها در مصر اقامت گزیدند، سپس زیر سلطه فرعون قرار گرفتند، و فرعون به آنها ظلم و ستم کرد و آنها را ذلیل و خوار نمود، و فرزندان آنها را کشت، و زنانشان را باقی گذاشت.

سپس خداوند موسی ؛ را به پیامبری برگزید تا بنی‌اسرائیل را از آن حقارت و ذلت نجات دهد، تا شاید که سپاس‌گذار باشند، و قصه عجیب و مفصلی - در آغاز با تکریم پروردگار به آنها - به وقوع می‌پیوندد: ﮋ ﯤ ﯥ ﯦ ﯧ ﯨ ﯩ ﯪ ﯫ ﯬ ﯭ ﯮ ﯯ ﮊ. (البقره:٤٧). «اى بنى اسرائيل! نعمتهايى را كه به شما ارزانى داشتم به خاطر بياوريد; و (نيز به ياد آوريد كه) من، شما را بر جهانيان، برترى بخشيدم».

و منظور از «فضلتکم» این است که خداوند پیامبران بسیاری را از بنی‌اسرائیل برگزید، و نعمت‌های فراوانی به آنها بخشید، و دشمن سرسخت آنها فرعون را در دریای نیل غرق کرد، و با وصف اکرام پروردگار، طلاجات و ثروت‌های مصریان را دزدیدند، و این کار بخاطر محبت ثروت‌اندوزی آنها بود.

و شنیع‌تر از آن: هنگامی که از رود نیل عبور کردند و موسی ؛ به دیدار پروردگار رفت آنها گوساله‌ای از طلا ساختند و آن را مورد پرستش قرار دادند! و بخاطر شوم بودن معصیت آنها تا روز قیامت مورد خشم پروردگار – به جز مؤمنان – مي‌باشند، خداوند می‌فرماید: ﮋ ﯨ ﯩ ﯪ ﯫ ﯬ ﮊ . (البقره:93).

«و دلهاى آنها، بر اثر كفرشان، با محبت گوساله آميخته شد».

و چون آن گوساله از طلا ساخته شده بود تا حالا محبت طلا‌اندوزی در دلشان پابرجاست، تا جای که هم اکنون مشاهده می‌کنیم سرمایه‌داران و احتکارکنندگان بزرگ یهودی هستند.

و از صفات ناپسند آنها: عناد و نافرمانی و مخالفت با پیامبران بوده است.

از جمله آن: هنگامی که به آنها دستور داده شد با سجده بردن وارد «باب» شوند و بگویند: «حطه: مغفرت» تا گناهان آنها آمرزیده شود و توبه‌شان مورد پذیرش قرار گیرد: ﮋ ﮙ ﮚ ﮛ ﮜ ﮝ ﮞ ﮟ ﮠ ﮡ ﮊ. (الأعراف:162).

«اما ستمگران آنها، اين سخن (و آن فرمانها) را، بغير آنچه به آنها گفته شده بود، تغيير دادند».

با مسخره گفتند: حنطه حنطه.

و از جمله آن: قصه گاو است: ﮋ ﮤ ﮥ ﮦ ﮧ ﮨ ﮩ ﮊ . (البقره:٦٧).

«خداوند به شما دستور مى‏دهد ماده‏گاوى را ذبح كنيد».

بخاطر شومی مخالفت و لجوجت آنها خداوند در طلب بر آنها سخت گرفت، و این صفت لجوجت به نوادگان آنها سرایت کرد.

و از جمله آن: قصه «اصحاب السبت» است بخاطر شومی «حیله و کید» آنها به میمون و خوک مسخ شدند.

و از جمله آن قصه: «من و سلوی» خوراك اهل بهشت، نعمتی که هر کس از آن می‌خورد سیر نمی‌شد، چون غذای روان و خستگی‌ناپذیر بود، و مزه و طعم آن نسبی نبود، اما آن گاه بنی‌اسرائیل در طور سینا بودند بخاطر عادت به مخالفت و لجوجت نزد موسی رفتند و از او خواستند به جای «من و سلوی[[11]](#footnote-11)» نباتات از جمله خیار و سیر و پیاز و عدس را از خداوند درخواست نماید.

بخاطر شومی و نحسی گناه، خداوند آنها را در سرزمین مصر سکونت داد، و ذلت خواری را بر سر آنها آورد، و مورد خشم خدا قرار گرفتند، و در بین آنها و نوادگان گمراه آنها باقی ماند.

و از جمله آن: خداوند به آنها دستور داد که غذا را ذخیره نکنند و غذا در آن هنگام هر چند به مدت طولانی فاسد نمی‌گردید، لیکن بخاطر خو گرفتن بنی‌اسرائیل به لجوجت و مخالفت، غذا را ذخیره کردند، و از شومی و نحسی گناه از آن هنگام به بعد غذا فاسد می‌شود[[12]](#footnote-12).

ابوهریره از پیامبر ص روایت می‌کند که فرمودند: «اگر بنی‌اسرائیل نبودند هرگز غذا خراب نمی‌شد و گوشت فاسد نمی‌گردید»[[13]](#footnote-13).

## شوم بودن فرعون برای خویش و خانواده و اطرافیانش:

خداوند متعال می‌فرماید: ﮋ ﮘ ﮙ ﮚ ﮛ ﮜ ﮝ ﮊ. (غافر:45). «و عذاب شديد بر آل فرعون وارد شد!».

آنها در دنیا مورد لعنت خداوند قرار گرفتند، و حتی گنجینه‌شان – پناه به خدا – نیز مورد لعن قرار گرفت، و اگر کسی آن را بدست بيآورد شومی و نحسي لعنت او را فرامی‌گیرد[[14]](#footnote-14) و از آن هنگام گنجینه فرعون به «لعنت فرعونیان» معروف شد، و اما در آخرت: خداوند می‌فرماید: ﮋ ﮞ ﮟ ﮠ ﮡ ﮢﮣ ﮤ ﮥ ﮦ ﮧ ﮨ ﮩ ﮪ ﮫ ﮬ ﮊ. (غافر:46).

«عذاب آنها آتش است كه هر صبح و شام بر آن عرضه مى‏شوند; و روزى كه قيامت برپا شود (مى‏فرمايد:) آل فرعون را در سخت‏ترين عذابها وارد كنيد!».

**قوم صالح و شعيب وهود و نوح و لوط ﻹ:**

اقوامیکه بوسیله – صيحه آسمانى یا باد سهمگین یا سنگ آسمانی – نابود و هلاک شدند، و از شومی گناه: در مملکت آنها کسی سکونت نمی‌گزیند، و از چشمه‌های آنجا آب نمی‌نوشند، و علوم و فنون سنگ‌ تراشیدن و شناختن جاهای آب و معدن‌های زیرزمینی آنها مفقود گردید[[15]](#footnote-15).

و آثار و بقایای آنها دلیل بر آن است، و اثبات برتری شگفت‌انگیز آنهاست به شیوه‌ای که هم اکنون پیشرفته‌ترین دستگاه‌ها قادر به چنین سنگ‌تراشی نیست، و آنها به خویش ظلم کردند، و اولین نفری - که از گذشتگان – به این ظلم اعتراف کرد آدم ؛ بود و گفت: ﮋ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﭚ ﭛ ﭜ ﭝ ﮊ . (الأعراف:23).

«پروردگارا! ما به خويشتن ستم كرديم! و اگر ما را نبخشى و بر ما رحم نكنى، از زيانكاران خواهيم بود!».

و درباره آنها می‌گوید: ﮋ ﮩ ﮪ ﮫ ﮬ ﮭﮮ ﮯ ﮰ ﮱ ﯓ ﯔ ﯕ ﯖ ﮊ. (النمل:52). «این خانه‌های ویران شده آنهاست، و در آن عبرت و پند برای دانایان است».

## راز عذاب همیشگی کافران در جهنم:

خداوند می‌فرماید: ﮋ ﰔ ﰕ ﰖ ﰗ ﰘ ﰙ ﰚ ﰛ ﰜ ﰝ ﰞ ﰟ ﰠ ﰡ ﰢ ﰣ ﰤ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘﭙ ﭚ ﭛ ﭜ ﭝ ﭞ ﭟ ﭠ ﭡ ﭢ ﮊ. (الأنعام: 27-28).

«كاش (حال آنها را) هنگامى كه در برابر آتش (دوزخ) ايستاده‏اند، ببينى! مى‏گويند: اى كاش (بار ديگر، به دنيا) بازگردانده مى‏شديم، و آيات پروردگارمان را تكذيب نمى‏كرديم، و از مؤمنان مى‏بوديم! (آنها در واقع پشيمان نيستند،) بلكه اعمال و نياتى را كه قبلا پنهان مى‏كردند، در برابر آنها آشكار شده (و به وحشت افتاده‏اند). و اگر بازگردند، به همان اعمالى كه از آن نهى شده بودند بازمى‏گردند; آنها دروغگويانند».

در این دو آیه اندیشیدم، و خیلی تعجب کردم که چگونه کافران به جهنم افکنده می‌شوند، و مواجه سخت‌ترین عذاب می‌باشند، و بخاطر انجام دادن اعمال نیک خواستار خروج از جهنم و بازگشت به دنیا می‌شوند، و خداوند عزیز و قهار درخواست آنها را نمی‌پذیرد: ﮋ ﭚ ﭛ ﭜ ﭝ ﭞ ﭟ ﮊ.

«و اگر بازگردند، به همان اعمالى كه از آن نهى شده بودند بازمى‏گردند».

و آنگاه که بدانید «ران: زنگاري» دل‌هایشان را پوشیده است و مانند سنگ جهنم بلکه سخت‌تر از آن شده است و هیچ نیکی در آن تأثیر ندارد شگفت‌زده نمی‌شوید، و بخاطر شومی و نحسی معصیت به سوخت و غذای جهنم تبدیل شده‌‌اند و با صورت به جهنم افکنده می‌شوند و در آن جاویدان هستند.

خداوند می‌فرماید: ﮋ ﯿ ﰀ ﰁ ﮊ . (البقره:٢٤).

«هيزم آن، بدنهاى مردم (گنهكار) و سنگها ( بتها) است».

خداوند به آنها ظلم نکرد بلکه آنها به خویش ظلم و ستم کرده‌اند.

امام احمد و مسلم از حذیفه روایت می‌کنند که پیامبر ص فرمودند: فتنه‌ها – مانند جای شاخه شاخه حصیر در بدن کسی که بر روی آن می‌خوابد – بر دل‌ها وارد می‌شود، و هر قلبی با آن آمیزش يابد نکته سياهى در آن پیدا می‌شود، و هر قلبی با آن آمیزش نیابد نکته سفیدی در آن پیدا می‌شود، تا جایكه آن قلب مانند سنگ سفید صاف می‌شود و هیچ فتنه‌ای در آن تأثير نخواهد كرد تا آسمان و زمین پا برجاست، و قلب‌های دیگری مانند «مربد: شدت سفیدی همراه با سیاهی» کوزه وارونه شده، به غیر هوای و هوس نه خوبی را می‌شناسند، و نه از بدی دوری می‌کنند[[16]](#footnote-16).

# فصل سوم

# آثار گناه در امت محمد ص:

## مردی که به پیامبر ص گفت با عدالت رفتار نکردی:

ابوسعید روایت می‌کند علی فرمودند: پس از اینکه پیامبر ص مرا به یمن فرستاد و طلا و زیورآلاتی را به نزد پیامبر ص آوردم، پیامبر ص فرمودند: «آن را در بین اقرع ‌بن حابس، و زید طائی، و عیینه بن حصن فزاری و علقمه بن علاثه عامری تقسیم کن»، مردی چشم فرو رفته، پیشانی برجسته، سر تاس، برخاست و گفت: بخدا سوگند با عدالت تقسیم نکردی! پیامبر ص فرمودند: «وای بر تو، اگر من عادل نباشم چه كسى عادل است، هدف من تشویق و ترغیب آنها بود» حاضرین به او هجوم بردند تا به قتلش برسانند، پیامبر ص فرمودند: «رهایش کنید، از نسل این مرد در آخر زمان قومی بدنیا می‌آید مسلمانان را می‌کشند و بت‌پرستان را رها می‌کنند، اگر آنها را بیابم مانند کشتار قوم عاد آنها را می‌کشم»[[17]](#footnote-17).

خوارج[[18]](#footnote-18) از سپاه علی بیرون آمدند و بخاطر شومی گناه پدرشان در گفتن «عادل نیستی» شکاف عمیقی در تاریخ اسلام ایجاد کردند[[19]](#footnote-19).

## پنهان شدن لیله‌القدر:

در حدیثی پیامبر ص می‌فرماید: ای مردم شب قدر را به من نشان دادند و از خانه بیرون آمدم تا آن را به مردم اعلام کنم، دو مرد آمدند و با صدای بلند باهم مشاجره می‌کردند و شیطان همراه آنها بود، و مشاهده آنها باعث گردید لیله‌القدر را فراموش کنم[[20]](#footnote-20).

و شب قدر بخاطر شوم بودن گناه - مشاجره - آن دو نفر پنهان گردید و از خیر بزرگی محروم شدیم، و کسی نمی‌داند شب قدر در چه شبی از شب‌های رمضان است.

## شتر نفرین شده:

عمران‌ بن حصین می‌گوید: پیامبر ص در مسافرتی، زن انصاری را سوار بر شتری دید، آن زن خشمگین شد و شتر را لعن و نفرین کرد، پیامبر ص آن را شنید و گفت: «آن زن را از شتر پائین بیاورید و شتر را رها کنید، چون نفرین شده است». عمران می‌گوید پس از آن شتر را می‌دیدم در بین مردم می‌گشت و کسی به آن کاری نداشت[[21]](#footnote-21).

بخاطر شومی معصیت آن شتر تا هلاکت رها گردید! و انسان هر چیزی را نفرین کند- پناه به خدا - بر آن قیاس می‌شود.

## دعای پیامبر ص علیه طائفه مضر:

پیامبر ص فرمود: «خدایا بر مضر سخت گیر، و بر آنها خشکسالی مانند دوران یوسف ؛ بیاور، در نتیجه قحطی و خشکسالی سختی به مدت هفت سال آنها را فراگرفت تا جای که با شومی معصیت و دعای پیامبر ص از گرسنگی قديد(گوشت خشك كرده و نمك سود) و استخوان می‌خوردند، و آن قحطی پیامبر ص و اصحاب ن را نیز فراگرفت، و با دعای پیامبر ص، مجازات همه را فراگرفت تا جايى که از گرسنگی سنگ را بر شکم می‌بستند[[22]](#footnote-22).

## محروم بودن از باران:

ابوهریره می‌گوید: (هوبره «نوعی پرنده» از ظلم ستمگر در لانه‌اش می‌میرد). مجاهد : می‌گوید: (زمانی که باران قطع شود و خشکسالی باشد چهارپایان آدم‌های گناهکار را نفرین می‌کنند، و می‌گویند این بخاطر شومی گناه انسان است)، عکرمه : می‌گوید: (حیوانات و حشرات حتی سوسک و عقرب‌ها می‌گویند: بخاطر گناه انسان‌ها از باران منع شده‌ایم)[[23]](#footnote-23).

انس بن مالک می‌گوید: (سوسمار در لانه‌اش بخاطر گناه انسان از لاغری می‌میرد)[[24]](#footnote-24).

ابن قیم می‌گوید: کیفر گناه خاتمه نمی‌یابد تا بی‌گناه را نیز فراگیرد![[25]](#footnote-25).

## مجازات خداوند نیکوکار و بدکار را فرامی‌گیرد:

خداوند متعال می‌فرماید: ﮋﯱ ﯲﯳ ﯴ ﯵ ﯶ ﯷ ﯸﮊ. (الأنفال:25).

«و از فتنه‏اى بپرهيزيد كه تنها به ستمكاران شما نمى‏رسد; (بلكه همه را فرا خواهد گرفت; چرا كه ديگران سكوت اختيار كردند)».

زینب ك می‌گوید: «ای پیامبر ص آیا با وجود اینکه صالحان میان ما هستند نابود می‌شویم؟ فرمودند: آری اگر بدی و شرارت زیاد شود».

خداوند قوم نوح ؛ را همگی اعم از کودکان و حیوانات بخاطر گناه مکلفان غرق کرد، و قوم عاد را با باد صرصر، و قوم ثمود را با صاعقه، و قوم لوط را با سنگ، نابود و هلاک کرد، و اصحاب السبت را به میمون و خوک مسخ کرد، و فرزندان آنها را نیز فراگرفت، اگر کسی بگوید چگونه خداوند بخاطر ستم گروهی همگی را مجازات می‌کند در حالی که می‌فرماید: ﮋ ﯲ ﯳ ﯴ ﯵ ﯶ ﮊ. (ق: 29).

«و من هرگز به بندگان ستم نخواهم كرد».

در پاسخ، سخن – ایاس بن معاویه را نقل می‌کنیم که می‌گوید: از برخی علماء پرسیدم ظلم در کلام عرب یعنی چه؟ گفتند از کسی چیزی بگیرد که حق او نیست، گفتم پس هر چیزی از آن خداوند است، سپس انسان‌ها را بر نیت‌شان زنده می‌گرداند[[26]](#footnote-26).

## گفته پیامبر ص به صحابه: «از اینجا برخیزید»:

ابن م عباس می‌گوید: (به هنگام احضار مرگ پیامبر ص برخی صحابه از جمله عمر بن خطاب نزد پیامبر ص بودند، پیامبر ص فرمودند: «کاغذ و قلم را بیاورید تا چیزی را برایتان بنویسم تا پس از من هرگز گمراه نشوید». عمر گفت: «ناراحتی پیامبر ص زیاد شده است و قرآن در نزد شماست، و قرآن برای ما کافی است و پیامبر را اذیت نکنیم[[27]](#footnote-27)». حاضرین صدایشان را بلند کردند و با هم مشاجره کردند، برخی گفتند: نزدیک شوید تا پیامبر ص چیزی را برای شما بنویسد که هرگز گمراه نشوید! و برخی دیگر مانند عمر فکر می‌کردند، وقتی که اختلاف و مشاجره زیاد شد پیامبر ص فرمود: «از اینجا برخیزید و بیرون روید»[[28]](#footnote-28).

عبیدا‌لله می‌گوید: ابن عباس م گفت: (بدبختی، چه بدبختی بزرگی بخاطر اختلاف و مشاجره و تنازع از نوشته پیامبر ص محروم شدیم)[[29]](#footnote-29).

در حدیث آمده است: که اختلاف باعث محرومیت از خیر و بركت می‌شود.

و این برخی از آثار شوم بودن گناه بر امت محمد ص بود.

🟔🏵🟔🏵🟔

# فصل چهارم

# کارهای بسیار خطرناکی که انسان متوجه آن نمی‌شود، بسیار شوم و زود رخ خواهد داد

## نافرمانی پدر و مادر و قطع خویشاوندی:

پیامبر ص می‌فرماید: (به پدر و مادر نیکی کنید، فرزندانتان به شما نیکی می‌کنند)[[30]](#footnote-30).

عیسی بن مريم ؛ می‌گوید: (خوشا به حال مسلمان، خوشا به حالش، چگونه پروردگار فرزندانش را پس از وی محفوظ می‌دارد)[[31]](#footnote-31).

انس بن مالک روایت می‌کند كه پیامبر ص فرمودند: «هر کس دوست دارد روزیش فراوان، و عمرش طولانی باشد، صله رحم «خویشاوندی» را قطع نکند»[[32]](#footnote-32).

این درباره کسی است که به پدر و مادر نیکی کند و صله رحم را برقرار نماید، اما کسی که نافرمانی پدر و مادر نماید و قطع خویشاوندی کند، وای بر وی، وای، بدی جوابش بدی است، چون هر کسی انگور بکارد انگور درو می‌کند، و هر کسی خار بکارد خار درو می‌کند، و هر طور رفتار کنید همان در زندگی به سراغت می‌آید، تا جای که گفته‌اند: «نیکی کردن به پدر و مادر به فرزندان می‌رسد»[[33]](#footnote-33).

ابوهریره از پیامبر ص روایت می‌کند كه فرمودند: (هنگامی که خداوند تمام خلایق را آفرید، «رحم» برخاست و گفت: این مقامی است که از قطع آن «رحم» به تو پناه برده می‌شود، خداوند فرمودند: آری، آیا راضی می‌شوید هر کسی تو را وصل کند وصلش کنم؟ و هر کسی تو را قطع کند قطعش کنم؟ گفت: آری، خداوند گفت: این حق توست)[[34]](#footnote-34).

ابن جوزی : می‌گوید: (یکی از اذیت‌کنندگان پدر و مادر، روزی پدرش را کتک زد و تا جای او را روی زمین کشید، پدرش به او گفت: کافیست، تا اینجا پدرم را روى زمين کشیده‌ام!)[[35]](#footnote-35).

تعجب نکنید اگر بسیاری از اذیت‌کنندگان پدر و مادر در عاقبت گمراه می‌شوند، چون اينها بدهكارى خود با رفتار بد پدر و مادر را بر مى‌گردانند، و اين فرموده خداوند را فراموش كرده‌اند: ﮋ ﭪ ﭫ ﭬ ﭭ ﭮ ﭯ ﭰ ﭱ ﭲ ﮊ. (ق:18).

«انسان هيچ سخنى را بر زبان نمى‏آورد مگر اينكه همان دم، فرشته‏اى مراقب و آماده براى انجام ماموريت (و ضبط آن) است».

و این بخاطر شومی گناه است.

## زنا کردن و مقدمات آن:

هر کسی– پناه به خدا – زنا کند یا برخی از مقدمات آن مانند عشق‌بازی و چشمک‌زنی انجام دهد، آثار شوم آن، خانواده و همسر و خواهر و مادر و دخترانش را فرامی‌گیرد، خداوند می‌فرماید: ﮋﮊ ﮋ ﮌﮍ ﮎ ﮏﮐ ﮑ ﮒﮓﮊ . (الإسراء: 32).

«و نزديك زنا نشويد، كه كار بسيار زشت، و بد راهى است».

در کلمه ﮋﮊ ﮋﮊ فکر کنید، خدا نفرموده است: (ولا تقترفوا) تا جای که مقدمات زنا نیز عذاب بازدارنده‌ای داشته باشد، و این طرفی از شومی گناه زنا است.

و طرف دیگر آن با هم این حدیث شگفت‌انگیز را بخوانیم: عبدالله ‌بن عمر بن خطاب م می‌گوید: با نه نفر از مهاجرین نشسته بودیم ناگاه پیامبر ص رو به ما کرد و فرمود: «ای جماعت مهاجرین به خداوند پناه می‌برم که پنج خصلت هست شما را فرانگیرد[[36]](#footnote-36): زنا و فحشاء در بین هر ملتی علنی و آشکارا شود به طاعون و خشکسالی گرفتار می‌شوند که در گذشتگان سابقه نداشته است و غیره ....[[37]](#footnote-37)». این حدیث بیماری‌های ناشی از بی‌اخلاقی و انحرافات جنسی را بیان می‌کند، و این بیماری‌ها دارای صفاتی هستند، در هیچ بیماری دیگری یافت نمی‌شود به شیوه‌ای که نشان می‌دهد این بیماری‌‌ها – پناه به خدا – مجازاتی الهی هستند.

از جمله آن مجازات‌ها:

1- از بین رفتن قدرت طبیعی:

هنگامی که انسان به بیماری میکروبی مانند حصبه مبتلا می‌شود، و دارو برای وی تجویز شود، داروی ضد آن به خواست خدا باکتری آن را از بین می‌برد، ولی در بیماری‌های جنسی برعکس است، چون به محض بهبودی شخص از یک بیماری به دیگری مبتلا می‌شود.

2- واگیر است:

باکتری بیماری‌های جنسی فقط دچار انسان و بر بدن وی زیست می‌کند، و در بدن حیوان زیست نمی‌کند، و بیشتر از طریق آمیزش جنسی انتقال می‌یابد، و گاهی از طریق آمپول و خون و آب دهان نیز انتقال می‌یابد، و این آثار شوم زناست!

3- ویروس سفلیس، تمام دانشمندان جهان را متحیر کرده است:

بیشتر بیماری‌های واگیر قابل علاج و کشت در آزمایشگاه و بررسی و تحقیق هستند، اما ویروس بیماری‌های جنسی مانند ویروس زگیل جنسی و سفلیس غیر قابل علاج و کشت در آزمایشگاه است، و بخصوص جز موارد نادری از آن شناخته شده نیست. و پیچیدگی که در انواع این میکروب‌ها وجود دارد و همه از آن بی‌خبرند نشان دهنده آن است که مجازات الهی هستند: ﮋﭸ ﭹ ﭺ ﭻ ﮊ . (الفتح: 4).

«لشكريان آسمانها و زمين (لشكرهاي ‌حسي، لشكرهاي‌ معنوي‌ و لشكرهاي‌ غيبي‌ ـ اعم‌ از فرشتگان، انسيان‌، جنيان، شياطين‌ و فرود آوردن‌ آرامش‌ روحي‌ بر مؤمنان‌ ـ) از آن خداست».

4- قدرت استثنائی:

ویروس بیماری‌های آمیزشی خاصیتی دارد كه در دیگر بیمار‌ی‌ها یافت نمی‌شود، برای نمونه ویروس سفلیس که بصورت مارپیچ و دارای دو نوک تیز است، در جهت ورود به جسم انسان قدرت شگفت‌انگیزی در سوراخ کردن اعضای تناسلی و جسم دارا می‌باشد، هنگامی که جسم سالم موادی روغنی را بعنوان مانعی طبیعی داراست و از ورود غبار و میکروب به بدن جلوگیری می‌کند و جسم را از میکروب‌ها مصون می‌دارد، میکروب‌ها از طریقی دیگر مانند دستگاه تنفسی و معده و روده‌ها همراه با تنفس و آب و غذا وارد بدن می‌شوند، ولیکن این موانع طبیعی جسم در برابر ویروس سفلیس ناکام است.

5- کثرت و فراوانی:

آمیزش جنسی نامشروع گرچه یک بار هم باشد ممکن است منجر به سرایت و شیوع انواع بیماری‌ها شود، گاهی در یک دفعه احتمال دارد به پنج نوع بیماری برسد.

6- پیشگیری:

علم پزشکی واکسن بیشتر بیماری‌های واگیر و مسری را کشف کرده است، اما بیماری‌های جنسی غیر قابل علاج است!

7- انتشار متعدد:

کاری طبیعی است که بیماری‌های واگیردار از شخصی به شخصی دیگر در صورتی انتقال می‌یابد که مسبب آن وجود داشته باشد، ولیکن بیماری‌های آمیزشی از شخصی به دیگران بدون سبب انتقال می‌یابد، برای نمونه کسی که بیماری سفلیس دارد - پناه به خدا - این بیماری به فرزندانش از نظر خلقتی و در ضمن ولادت سرایت می‌کند، و همچنین شکنجه و آزار مادر و جنین را چند برابر می‌کند، و کسی که بیماری سوزاک دارد چشمان فرزندش را آنچنان می‌سوزاند تا کورش می‌کند.

8- بیماری ایذر:

بیماری که مشهور به «از دست دادن بنیه جسمی» است، ایذر ویروسی است به سلول‌ها هجوم می‌برد و باعث سست شدن بنیه جسمی و ابتلا به انواع باکتری و انگل‌ها می‌شود و غده لنفاوی در دو طرف جسم ضخیم می‌کند، و همراه با آن وزن بدن کاهش می‌یابد، و لکه‌های قرمزی مانند خون‌مردگی در بدن پیدا می‌شود، و هفته‌ها به اسهال و سرفه شدید و تنگی نفس همراه با فراموشی و سستی و ضعف بدن و التهاب سینه و تب و عرق دائمی و سرطان پوستی مبتلا می‌شود.

عامل بیماری ایذر: آمیزش جنسی نامشروع، و گاهی هم جنس‌بازی، تزریق مخدرات، انتقال خون، از طریق جنین یا تزریق، یا شیردهی از طريق دهان می‌باشد، قرآن می‌فرماید: ﮋ ﯞ ﯟ ﯠ ﯡ ﯢ ﯣ ﯤ ﯥﯦ ﯧ ﯨ ﯩ ﯪ ﯫ ﯬ ﯭ ﮊ. (یس: 12).

«به يقين ما مردگان را زنده مى‏كنيم و آنچه را از پيش فرستاده‏اند و تمام آثار آنها را مى‏نويسيم; و همه چيز را در كتاب آشكار كننده‏اى برشمرده‏ايم».

ایذر[[38]](#footnote-38) کیفری الهی است هزاران هزار نفر را نابود کرده است، و تا امروزه علم پزشکی راه علاجی برای آن نیافته است، بدون تردید این آثار شوم گناه است تا جای که انسان بی‌گناه نیز از طريق انتقال خون به آن مبتلا شده است!

## بَلاء موکل به سخن است:

پیامبر ص می‌فرماید: «از بدبختی و گناه دیگران مسرور مباش و به قیافه و حرکات و سخنان دیگران مسخره نکن، شاید خداوند به او رحم کند و شفايش دهد و تو گرفتار و مبتلا كند»[[39]](#footnote-39)، و این بسیار مهم است شاید بسیاری به آن توجه نکنند، در روایت آمده: (هر کسی برادرش را بخاطر گناهی ناسزا گوید وفات نمی‌کند تا آن گناه را انجام دهد) ترمذی.

امام احمد : می‌فرماید: از حسن : شنیدم فرمود: (هر کسی برادرش را به گناهی که از آن توبه کرده است ناسزا گوید، خداوند او را به آن می‌آزماید)[[40]](#footnote-40).

ابن سیرین : می‌گوید: «مردی را بخاطر ورشکستگی مسخره کردم، پس از آن خودم ورشکسته شدم!).

ابن جوزی : می‌گوید: «شخصی گفت: مردی را بخاطر افتادن چند تا دندانش مسخره کردم، پس از آن دندانهایم افتاد!)[[41]](#footnote-41).

از برخی سلف نقل شده: (اگر به سگی ناسزا گویم می‌ترسم به سگ تبدیل شوم).

به خدا سوگند این نتیجه آشکار و واضح ناسزاگویی و مسخره کردن، یا در مسخره‌کننده، یا در فرزندانش است، و همه اینها به خاطر آثار شوم گناه است، و جز این دعا هیچ چیزی این بلا را دور نمی‌کند: **(الحمد لله الذي عافاني مما ابتلاک به وفضلني علی کثیر ممن خلق تفضیلاً).** پیامبر ص می‌فرماید: (هر کسی این دعا را بخواند آن بلا او را فرانمی‌گیرد)[[42]](#footnote-42).

## لعنت و آثار شوم آن:

لعنت و نفرین نکته بارز در بیشتر سخنان مردم است، و از بلاهای است که شمولیت پیدا کرده است، و اين تأييد و مصداق اين حديث است كه از پیامبر ص پرسیدند: (سقّارین) کی هستند؟ فرمودند: «مردمانی هستند که در آخر زمان وقتی که به هم می‌رسند به جای سلام کردن یکدیگر را لعنت و نفرین می‌کنند»[[43]](#footnote-43).

به آثار شوم گناه در این حدیث بنگرید، ابودرداء روایت می‌کند پیامبر ص فرمودند: «اگر کسی چیزی را نفرین نماید این نفرين به آسمان بالا می‌رود، درهای آسمان بر رویش بسته می‌شود، سپس به زمین باز می‌گردد، درهای زمین نیز بسته می‌شود، سپس به راست و چپ می‌رود، و چون جای را نمی‌یابد به کسی که نفرین شده – اگر مستحق آن باشد – برمی‌گردد وگرنه به گوینده آن برمی‌گردد[[44]](#footnote-44).

و آثار شوم این گناه منجر به محرومیت شخص از شهادت دادن و شفاعت کردن می‌شود، ابودرداء روایت می‌کند پیامبر ص فرمودند: (لعنت‌کنندگان نباید بعنوان شفاعت‌کننده و شاهد پذیرفته شوند)[[45]](#footnote-45).

شوم بودن گناه لعن شامل غیر عاقل نیز می‌شود، ابن عباس م روایت می‌کند: مردی باد را لعن و نفرین کرد، پیامبر ص فرمود: «باد را لعن مکن، باد مأمور است. زیرا هر کسی چیزی را لعن کند و آن چیز مستحق لعن نباشد به گوینده برمی‌گردد»[[46]](#footnote-46).

و از بزرگترین گناهان: لعن غیرمستقیم پدر و مادر است، چنانچه پیامبر ص می‌فرماید: «کسی که به پدر کسی ناسزا می‌گوید او نیز پدر او را ناسزا می‌گوید، و به مادر کسی ناسزا می‌گوید او نیز به مادرش ناسزا می‌گوید»[[47]](#footnote-47)، و نسبت دادن فسق و کفر به مسلمان نیز بر لعن قیاس می‌شود[[48]](#footnote-48).

## وسواس بودن:

عامل وسوسه آثار شوم گناهان پیشین است، هنگامی که کسی از گناهان توبه می‌کند شیطان به نزد او می‌آید و فریبش می‌دهد و گناهان گذشته را به یادش می‌آورد تا از رحمت خدا مأیوس شود، و زمانی که مؤمن هتک حرمات پروردگار نکرده باشد شیطان نمی‌تواند او را وسوسه کند، چنانچه علی ‌بن ابیطالب می‌گوید: «هیچ بلائی جز با گناه فرود نمی‌آید و هیچ بلائی جز با توبه برداشته نمی‌شود»[[49]](#footnote-49) و در قرآن می‌فرماید: ﮋﯽ ﯾ ﯿ ﰀ ﰁ ﰂ ﰃ ﰄ ﰅ ﰆ ﰇ ﮊ. (الشوری: 30).

«هر مصيبتى به شما رسد بخاطر اعمالى است كه انجام داده‏ايد، و بسيارى را نيز عفو مى‏كند».

و جمله آن: این حدیث شگفت است: وهب بن منبه می‌گوید: خدای متعال – در ضمن آنچه به بنی‌اسرائیل فرموده – می‌فرماید: (هنگامی که اطاعت شوم خشنود خواهم شد، و اگر خشنود شوم رحمت و برکت نازل می‌کنم، و و برکات من نهایتی ندارد، و اگر نافرمانی شوم عصبانی می‌شوم، و اگر عصبانی شوم نفرین می‌کنم، و نفرین من به هفتمین نسل گناهکار می‌رسد)[[50]](#footnote-50).

و این حدیث مخالف اين آیه قرآنى نيست: ﮋ ﮋ ﮌ ﮍ ﮎ ﮏ ﮊ . (الزمر: 7).

«و هيچ گنهكارى گناه ديگرى را بر دوش نمى‏كشد».

چون انسان بواسطه عاقبت شوم گناهش دوستان ناباب و راه معصیت و گمراهی را برای فرزندان و نوادگانش هموار می‌سازد، و در نتیجه حمایت و محافظت و پشتیبانی پروردگار شامل نوادگانش نمی‌شود: ﮋ ﯦ ﯧ ﯨ ﮊ. (الکهف: 82).

«و پدرشان مرد صالحى بود».

امان! امان از هر گناهی، چون شوم و نحسی گناه به هفتمین نسل انسان می‌رسد.

🟔🏵🟔🏵🟔

# فصل پنجم

# آثار گناهان بر انسان

گناهان آثار ناپسند و مذمومی بر دل و جسم در دنیا و آخرت دارد، به جز خداوند کسی تعداد آن را نمی‌داند و از جمله آن:[[51]](#footnote-51)

1. محرومیت از علم: چون علم نوری است خداوند آن را در دل روشن کرده است، و گناه آن را خاموش می‌کند.
2. تنهائی است که شخص گناهکار در دل میان خود و پروردگار ملاحظه می‌کند و اصلاً همراه با لذتی نیست.
3. تنهائی است که عاصی در بین خود و مردم بخصوص صالحان و نیکوکاران احساس می‌کند.
4. دشواری کار: به هر دری می‌زند بر رویش بسته است یا با دشواری روبرو است.
5. تاریکی است که در دل احساس می‌کند، و دل و جانش با آن ناتوان می‌شود، و او را از اطاعت محروم می‌کند.
6. گناهان عمر انسان را کوتاه می‌کند، و «پناه به خدا» برکت عمر را تا ابد محو می‌کند.
7. گناهان تولید‌مثل می‌کنند، و برخی گناه دیگری را می‌رویاند، تا جای که بر انسان فایق می‌آید و انسان نمی‌تواند از آن جدا شود.
8. از ترسناک‌ترین اثر گناه بر انسان: این است اراده قلبی را سست می‌کند و گناه برتری می‌یابد و توبه کردن سست می‌شود.
9. دل و درونش با گناه خو می‌گیرد، به شیو‌ه‌ای که گناه برایش عادی می‌شود و به گناه افتخار نموده و از آن دوری نمی‌کند.
10. شعله غیرت در دل را خاموش می‌‌کند، و حیا – اکسیر حیات دل – را از بین می‌برد.
11. انسان را مورد نفرین پیامبر ص قرار می‌دهد.
12. محروم بودن گناهکار از دعای پیامبر ص و ملائکه کرام که برای مؤمنان طلب آمرزش می‌کنند.

گناه باعث می‌شود تا پروردگار بنده‌اش را فراموش کند، و این فراموشی هلاکت است: ﮋﭱ ﭲ ﭳ ﭴ ﭵ ﭶ ﭷﭸ ﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﮊ . (الحشر: 19).

«و همچون كساني نباشيد كه خدا را فراموش كردند، (فرمانهاي او را ترك كردند، يا از او نترسيدند) و خدا نيز آنها را به خودفراموشي گرفتار كرد (به سبب اين كه خدا را در آسوده‌حالي و نعمت فراموش كردند او نيز آنان را در سختي‌ها دچار خودفراموشي گردانيد)، آنها فاسقانند».

اگر گناهان زیاد شود بر دل عاصی نقش می‌بندد، و جزو غافلان می‌شود: ﮋ ﭹﭺ ﭻﭼ ﭽ ﭾ ﭿ ﮀ ﮁ ﮂ ﮃ ﮊ. (المطففین: 14).

«چنين نيست كه آنها مي‌پندارند، بلكه اعمالشان چون زنگاري بر دلهاشان نشسته».

1. و از کیفر گناهان: ترس و وحشتی است که خداوند در دل گناهکار قرار می‌دهد، چون فرمانبرداری قلعه محکم پروردگار است.
2. انسان را در هنگام سختی و سیه‌روزی هراسان می‌کند، و بخصوص در هنگام مرگ عاقبت شوم دارد[[52]](#footnote-52).

## آثار ترک گناهان در دنیا:

ابن قیم می‌گوید[[53]](#footnote-53): (برخی از آثار ترک گناه عبارتند از: زنده شدن مردانگی، حفظ ناموس، حفظ شخصیت و مقام، حفظ ثروت «خداوند ثروت را پایه مصلحت دنیا و آخرت قرار داده است»، محبت مردم، زندگی شایسته، آسایش جسمی، دل‌خوشی، آسودگی خاطر، دغدغه نبودن، بی‌خیالی از وحشت فاسقان و فاجران، فقدان غم و غصه، اطمنان دل از نبود ذلت، محافظت کردن روشنائی دل از نابودي تاريكي گناه، فزونی روزی به شیوه‌ای که قابل شمارش نیست، آسان بودن آنچه که بر فاسقان و گناهکاران سخت است، آسان بودن عبادات، آسان بودن یادگیری، نام نیکو در بین مردم، دعای خیر مردم برای وی، شیرینی و حلاوت در چهره، وقار و عظمت در دل مردم، مردم او را یاری می‌کنند، اگر اذیت شود یا مورد ظلم قرار گیرد مردم از او حمایت می‌کنند، و اگر کسی او را غیبت کند مردم از او دفاع می‌کنند، دعایش زود اجابت می‌شود، از بین رفتن وحشتی که در بین او و خداوند بوده است، نزدیکی فرشتگان به وی، دور شدن شیاطین جن و انسان از وی، رقابت مردم باهم در خدمت‌رسانی به او، و تقاضای مردم به نزدیکی و محبت وی، نهراسیدن از مرگ، بلکه با فرارسیدن مرگ خوشحال می‌شود چون به حضور و دیدار پروردگار می‌رسد، حقارت دنیا در درونش، عظمت آخرت در نزدش، حرص بر یافتن مقام شایسته و سرافرازی بزرگ در آخرت، چشیدن شیرینی عبادت، احساس شیرینی ایمان، دعای حاملان عرش و فرشتگان اطراف آن برای وی، خوشحالی کاتبان کردار او، و دعای خیر برای وی در هر حالی، افزایش در عقل و فهم و ایمان و شناخت وی، بدست آوردن محبت خداوند، توجه پروردگار به او، و خوشحالی پروردگار به توبه و بازگشت وی).

## آثار ترک گناهان به هنگام مرگ:

فرشتگان به هنگام مرگ او را ملاقات نموده به او مژده می‌دهند که خداوند بهشت را برای او آماده کرده است، و می‌گویند غمگین و محزون مباش، و از زندان و تنگنای دنیا به باغی از باغهاى بهشت انتقال می‌یابد و تا روز قیامت در آنجا در ناز و نعمت باقی می‌مانند.

## آثار ترک گناهان در روز قیامت

هنگامی که روز قیامت می‌آید گرما و عرق مردم را فرامی‌گیرد، در حالی که آن شخص زیر سایه عرش قرار می‌گیرد و با اولیاء و متقین و رستگاران در دسته اصحاب الیمین قرار می‌گیرند: ﮋ ﭾ ﭿ ﮀ ﮁ ﮂ ﮃﮄ ﮅ ﮆ ﮇ ﮈ ﮉ ﮊ. (الجمعه: ٤).

«اين فضل خداست كه به هركس بخواهد (و شايسته بداند) مي‌بخشد، و خداوند صاحب فضل عظيم است»[[54]](#footnote-54).

خوشا به حال کسی که گناه را ترک می‌کند، و چنانچه حسن بصری : می‌گوید: (ای آدم‌ها گناه ترك کردن از توبه کردن آسان‌تر است)[[55]](#footnote-55).

🟔🏵🟔🏵🟔

# فصل ششم

# «توبه و شرایط آن»

توبه انسان با سه شرط پذیرفته می‌شود:

1- ندم بر گناه.

2- اقلاع از گناه.

3- عزم بر بازنگشتن به گناه، و اگر توبه از حق دیگران باشد باید حق مردم را پس دهد، و باید توبه کردن پیش از فوت وقت و زمان باشد.

امام ابن قیم : می‌گوید: (منظور از ندم: یعنی از گناهان پیشین پشیمان شود، و منظور از اقلاع: یعنی فوراً از گناه دوری کند، و منظور از عزم: یعنی تصمیم بگیرد در آینده باز نگردد[[56]](#footnote-56). پیامبر ص می‌فرماید: «هر انسانی خطاکار است و بهترین خطاکاران کسی است که توبه می‌کند»[[57]](#footnote-57).

پس باید انسان فوراً اقدام به توبه نماید، امام غزالی : می‌گوید: (چنانچه کسی که سمی بخورد و پشیمان شود بايد فوراً اقدام به خارج کردن سم از معده کند، پس کسی که گناه «سموم دین» انجام می‌دهد شایسته‌تر است که فوراً از گناه دوری کند)[[58]](#footnote-58).

حسن بصری : می‌گوید: (اهتمام انسان به گناه او را وادار به ترک گناه می‌کند، و پشیمانی از گناه کلید توبه است، و انسان همچنان به گناه اهتمام می‌دهد تا جای که آن گناه از برخی نیکی‌ها برای او سودمند‌تر است)[[59]](#footnote-59).

بکر بن عبدالله المزنی : می‌گوید: (اعمال بنی‌آدم به آسمان بالا می‌رود، و اگر نامه عملی بالا رود و در آن استغفار باشد نامه اعمالش درخشان است، و اگر نامه عملی بالا رود و در آن استغفاری نباشد بصورت سیاه بالا می‌رود)[[60]](#footnote-60).

استغفار صفت مسلمان است، پیامبر ص می‌فرماید: «مؤمن به مانند خوشه گندمی می‌ماند یک بار راست می‌ایستد و یکبار خم می‌شود، و کافر به مانند برنجی ماند تا خمیدگی راست ایستاده است و از خود خبری ندارد[[61]](#footnote-61).

پیامبر ص می‌فرماید: «ای مردم بسوی خدا بازگردید و توبه و استغفار کنید، من هر روزه یکصد بار توبه و استغفار می‌کنم»[[62]](#footnote-62). هنگامی که پیامبر ص - در حالی که پروردگار گناهان گذشته و آینده او را بخشيده و عفو کرده است – در روز صد بار استغفار می‌کند، پس ما که در باتلاق گناه غرق شده‌ایم باید چگونه باشیم؟

ملاحظه کن چقدر پروردگار به توبه بنده‌اش – در حالی که نفع و ضرری به او نمی‌رساند – خوشحال است، پیامبر ص می‌فرماید: «خدا از توبه بنده‌اش آنگاه که توبه می‌کند خوشحال‌تر از کسی است اگر در دشت فلاتی سوار بر شتری باشد، و شترش گم شود – در حالی که غذا و آب بر روی شتر باشد – و به دنبال آن بگردد و از آن مأیوس شود، و به کنار درختی می‌رود و در سایه آن دراز کشیده و منتظر مرگ می‌شود، و ناگاه چشم را باز می‌کند شترش را می‌بیند، و افسار آن را می‌گیرد، و در نهایت خوشحالی می‌گوید: «خدایا تو بنده من هستی، و من خدای تو هستم، و از شدت خوشحالی اشتباه می‌کند»[[63]](#footnote-63).

پس واجب است انسان فوراً توبه نماید، چون تأخیر توبه ذاتاً احتیاج به توبه دارد، ابن قیم : می‌گوید: «به ندرت این، به فکر توبه‌کننده برسد، بلکه می‌پندارد: اگر هر زمانی توبه کند، گناهی بر وی باقی نمی‌ماند، در حالی که توبه‌ى تأخیر از توبه، بر وی باقی می‌ماند[[64]](#footnote-64).

شيخ الاسلام ابن تيميه :: مى‌گويد: فكرم در خاطره‌اى، يا مسأله‌اى، يا چيزى ديگر و يا مشكلى متوقف مى‌شود و نمى‌توانم آن را بدانم، در اين حال هزار مرتبه و يا بيشتر و يا كمتر استغفار مى‌كنم تا اينكه سينه‌ام به اينها گشاده شود و مشكلم حل گردد، و ممكن است در اين حال در بازار، يا مسجد، يا مدرسه، باشم، و هيچ چيز مانع نمى‌شود كه ذكر و استغفار كنم تا مطلوبم را بيابم)[[65]](#footnote-65).

و ترسناک‌ترین چیز بر انسان هوای نفس است، چون شخص را بی‌خبر هلاک می‌کند. در حدیث آمده که ابلیس گفته است: بنی‌آدم را با گناه نابود می‌کنم، و آنها مرا به استغفار و «لا إله الا الله» نابود می‌کنند، وقتی که درمانده و شکست خورده شدم هوی و هوس را در بین آنها می‌گسترانم، و چون می‌پندارند کار نیک انجام می‌دهند در نتيجه توبه و استغفار نمی‌کنند.

و آنچه آنها را از توبه کردن منع کرد، چنانچه یحیی ‌بن معاذ : می‌گوید: (آرزوی طولانی است، و نشانه توبه‌کننده: ریختن اشک، و محبت گوشه‌نشینی، و محاسبه نفس در هر تصمیمی است)[[66]](#footnote-66).

و اگر این نشانه وجود نداشته باشد استدراج است، عقبه ‌بن نافع می‌گوید: پیامبر ص فرمودند: «اگر کسی را دیدید که هر چه دوست داشت خداوند به او عطا می‌كند، و همچنان بر گناه باقی مانده، این نعمت‌ها استدراج است»[[67]](#footnote-67).

ابوموسی می‌گوید پیامبر ص فرمودند: (خداوند به ظالم مهلت می‌دهد تا او را مي‌گيرد و اگر او را گرفت رهایش نمی‌کند، سپس این آیه را خواند: ﮋ ﮍ ﮎ ﮏ ﮐ ﮑ ﮒ ﮓ ﮔﮕ ﮖ ﮗ ﮘ ﮙ ﮚ ﮊ. (هود: 102).

«و اينچنين است مجازات پروردگار تو، هنگامى كه شهرها و آباديهاى ظالم را مجازات مى‏كند! (آرى،) مجازات او، دردناك و شديد است»[[68]](#footnote-68).

پس لازم است توبه نصوح براى تمام اعضا بدن باشد، محاسبی : می‌گوید:

(توبه چشم: خودداری از نگریستن نامحرم).

(توبه گوش: از شنيدن حرام).

(توبه دست: خودداری از گرفتن حرام).

(توبه پاها: خودداری از رفتن به سوی حرام).

(توبه شرمگاه: حفظ شرمگاه از زنا).

(و بدین‌سان تمام اعضا حتی عقل نیز توبه دارد، و توبه آن فکر نکردن حرام است، و زبان نیز توبه دارد، و توبه آن فرانخواندن به کردار زشت است)[[69]](#footnote-69).

گناهان مانع عبادت می‌شوند، چنانچه حسن بصری : می‌گوید: (اگر توانائی شب‌بیداری و روزه‌داری نداشتني بدانید که محروم هستید. حتماً خطا و گناهان تو را بند و زنجیر کرده‌اند)[[70]](#footnote-70).

عبدالله ‌بن المبارک : می‌گوید: (کسی که در تربیت نیکو سهل‌انگار باشد، به محروم بودن از سنت مجازات می‌شود، و کسی در رعایت سنت سهل‌انگار باشد، به محروم بودن از فرائض مجازات می‌شود، و کسی که به فرائض سهل‌انگار باشد، به محروم بودن از شناخت و معرفت مجازات می‌شود) [[71]](#footnote-71).

اگر عبادت انجام داده باشید گناهان تو را از لذتش محروم می‌کند، از وهب ‌بن منبه : پرسیدند: آیا کسی که گناه می‌کند لذت عبادت را احساس می‌کند؟ فرمود: (خیر[[72]](#footnote-72)، حتی کسی که تصمیم به انجام گناه بگیرد نیز همینطور است).

امام احمد : انسان را به هنگام گناه به کسی تشبیه می‌کند که در مرداب راه می‌رود، و با ترس قدم برمی‌دارد، ناگاه پایش فرود می‌رود، و غرق می‌شود، و به یارانش فرمود: (انسان همیشه به این صورت از گناه حذر می‌کند تا وقتی که در گناه افتاد، و اگر گرفتار گناه شد غرق می‌شود)[[73]](#footnote-73).

حذر! حذر! از گناهان صغیره، امام غزالی : می‌گوید: (گناه کبیره‌ای که سپری ‌شدنی باشد و به دنبال آن کبیره‌ای دیگری نیاید امید گذشت و عفو آن بیشتر از گناه صغیره‌ای است که انسان بر آن دوام داشته باشد، چون اگر آب بر سنگی بصورت قطرات همیشگی چکیده شود در آن اثر می‌گذارد، ولی اگر تمام آن قطره بصورت یک بار بر آن سنگ ریخته شود در آن اثری نمی‌گذارد)[[74]](#footnote-74)، به همین سبب پیامبر ص می‌فرماید: «بهترین اعمال بادوام‌ترین آن است هر چند هم ناچیز باشد»[[75]](#footnote-75).

ابن قیم : می‌گوید: (اصرار بر گناه کردن، گناه است، و به فکر ترک گناه نباشد، رضایت و تکیه بر گناه و دوام بر آن محسوب می شود، و این نشانه هلاکت اوست)[[76]](#footnote-76).

و معنای اصرار در اینجا چنانچه محاسبی : می‌گوید این است: (شیرینی گناه در دل باقی بماند)[[77]](#footnote-77).

ماوردی : می‌گوید: (خندانی که به گناه اعتراف می‌کند بهتر از گریه‌کننده‌ای است که بر پروردگار بی‌پروا است، و گریه‌کنند‌ه‌ای که بر گناه خویش پشیمان است بهتر از خندانی است که اعتراف به لهو می‌کند)[[78]](#footnote-78).

🟔🏵🟔🏵🟔

# فصل هفتم

# پاک‌کننده‌های گناه

آگاه باش – خدا به ما و شما و هر مسلمانی رحم کند – برای دور ساختن آثار شوم گناه – چنانچه قبلاً ذکر کردیم – توبه محض کافی نیست، بلکه پاک‌کننده‌های می‌خواهد تا بصورت کامل پاک شود، مانند پاک کردن ظرفی که سگ آن را نجس کرده است!، پیامبر ص می‌فرماید: «اگر سگ زبان خود را در ظرفی فروکرد (لیسید) آن را هفت بار بشوئید و برای بار هشتم آن را خاک‌آلود کنید»[[79]](#footnote-79).

ابن رجب می‌گوید: (موارد زیر گناه را پاک می‌کند:

توبه نصوح: قرآن می‌فرماید: ﮋ ﮰ ﮱ ﯓ ﯔ ﯕﯖ ﯗ ﯘ ﯙ ﯚ ﯛ ﮊ. (الزمر: 53).

«خدا همه گناهان را مى‏آمرزد، زيرا او بسيار آمرزنده و مهربان است».

1. استغفار: در حدیث آمده: «اگر شما گناه نکنید خداوند شما را از بین می‌برد و کسانی را بجای شما می‌آورد تا گناه انجام دهند، سپس از پروردگار طلب آمرزش کنند و پروردگار آنها را عفو نماید»[[80]](#footnote-80).

حسنات محو‌کننده: قرآن كريم می‌فرماید: ﮋ ﮱ ﯓ ﯔ ﯕﮊ . (هود: 114).

«حسنات، سيئات (و آثار آنها را) از بين مى‏برند».

و از جمله آن کار نیک و صدقه است.

1. دعای مؤمن برای مؤمن: مانند طلب استغفار مؤمن برای مؤمن و نماز بر جنازه، تا برايش شفاعت كنند..
2. شفاعت پیامبر ص: در حدیث صحیحی پیامبر ص می‌فرماید: «شفاعت من برای صاحبان کبیره از امتم است»[[81]](#footnote-81).
3. مصیبت‌های که پاک‌کننده‌ در دنیا هستند: «هیچ غم و مشکل و بیماری به کسی نمی‌رسد جز اینکه خداوند بواسطه آن گناهی از گناهان او را می‌آمرزد»[[82]](#footnote-82). به شرطی که بر آن صبر داشته باشد.
4. رحمت و عفو پروردگار: بدون سببى و انجام كارى از طرف بنده.

ابن رجب می‌گوید: (هر کسی این هفت چیز را فراموش کند کسی را جز خویش سرزنش نکند)[[83]](#footnote-83).

1. خاک ریختن قبر: شیخ ابن تیمیه : می‌گوید: (آنچه برای او از فتنه و فشار و ترس و سختی روز قیامت و ناراحتی در قبر رخ می‌دهد)[[84]](#footnote-84).

## چگونه خود را از فکر گناه محافظت می‌کنید؟

ابن قیم : می‌گوید[[85]](#footnote-85): موارد زیر شما را از فکر گناه محافظت می‌کند:

1- یقین داشتن به اینکه خداوند آگاه و ناظر قلب و عمل و فکر شماست.

2- حیاء و شرم از خدا.

3- شرم از اینکه پروردگار در - خاکی که برای شناخت و معرفت خویش آفریده - فکر گناه را در آن از شما مشاهده کند.

4- ترس از اینکه چنین فکری تو را از توجه و چشم خدا دور كند.

5- ترس از اینکه چنین فکری محبت غیر خدا را در قلب ایجاد کند.

6- ترس از اینکه چنین فکری تولید‌مثل کند و شراره آن گسترده شود، و هر چه ایمان و محبت خدا در دل است را بسوزاند.

7- دانستن این که: فکر گناه مانند دانه‌های گندمی است که صیاد برای صید پرندگان روی زمین پخش می‌کند.

8- دانستن این که: فکر پلید با فکر ایمان در یک قلب جمع نمی‌شوند، مگر اینکه یکی بر دیگری غالب می‌شود.

9- دانستن این که: چنین فکرهای دریائی از دریای خیال است و ساحلی ندارد، و اگر وارد قلب شد غوطه‌ور و غرق می‌شود.

10- دانستن این که: چنین فکری دره احمقان و آرزوی جاهلان است، و برای صاحبش جز پشیمانی چیزی بدنبال ندارد.

هنگامی که در چنین فکرهای – خدا نکرده –غرق شدی، به این قصه درباره انوشیروان – پادشاه فارس – گوش فرادهید:

روزی انوشیروان به قصد شکار از شهر بیرون رفت و شتابان پیش رفت، و از لشکر دور شد، و سخت تشنه شد، و به باغی رسید و وارد باغ شد، و کودکی آنجا بود به او گفت: ای پسر اناری به من بده، اناری به او داد، و انار را باز کرد و دانه‌های آن را خارج و فشار داد، آب زیادی از آن خارج شد و نوشید، آن انار او را شگفت‌زده کرد، تصمیم گرفت باغ را از صاحب آن بگیرید، سپس به کودک گفت: انار دیگری بده، و اناری دیگر به او داد، انار را فشار داد، آب ناچیزی از آن بیرون آمد و آن را نوشید و مزه تلخی داشت! انوشیروان گفت: ای پسر چرا انار این طور است؟ گفت: شاید پادشاه مملکت تصمیم به ظلم گرفته است و بخاطر شوم بودن ظلم انار این طور شده است، انوشیروان در دل از چنین تصمیمی پشیمان شد و توبه کرد، و به کودک گفت: انار دیگری بده، و اناری به او داد، انوشیروان مشاهده کرد که از انار نخستین بهتر است! گفت: ای پسر این چرا؟ گفت: شاید پادشاه مملکت توبه کرده باشد!

فخر رازی بر این قصه تعلیق گذاشته و گفته است: البته نام انوشیروان در دنیا به عدالت باقی مانده است حتی برخی از پیامبر ص روایت می‌کنند که فرموده‌اند: «در زمان پادشاه عادل به دنیا آمده است»[[86]](#footnote-86).

امان! امان از گناه، بخصوص گناه خلوت‌نشینی، ثوبان از پیامبر ص روایت می‌کند که فرمودند: «برخی از امتم را می‌شناسم در روز قیامت اعمالی نیک مانند کوههای تهامه را با خود می‌آورند، خداوند آن را نابود می‌کند». ثوبان گفت: یا رسول ‌الله آنها را معرفی کن؟ کی هستند؟ نكند ما از آنها باشیم و بی‌خبریم، پیامبر ص فرمود: «آنها برادران شما و هم جنس شما هستند، و آنچه شما در آشکار انجام می‌دهيد آنها نیز انجام می‌دهند، ولی اگر در خلوت قرار می‌گیرند مرتکب گناه و معصیت می‌شوند»[[87]](#footnote-87).

ابودرداء می‌گوید پیامبر ص فرمودند: (انسان باید از نفرین قلبی مؤمنان – در حالی که بی‌خبرست – بیمناک باشد! سپس گفت: آیا می‌دانید چه کسی؟ عرض کردم خیر، فرمود: انسان در خلوتگاه گناه انجام می‌دهد، پروردگار کینه او را – در حالی که بی‌خبر است – در دل مؤمنان قرار می‌دهد)[[88]](#footnote-88).

بدین سبب ابن جوزی : می‌گوید: «آگاه باش: از جمله بزرگترین بدبختی‌ها گول خوردن به سلامتی پس از گناه است، چون کیفر واقع می‌شود، و از بزرگترین کیفر و مجازات این است که انسان بي خبر است: در حاليكه گناه در ریشه دین و دل‌ها اثرگذار است- پناه به خدا -.

🟔🏵🟔🏵🟔

# فصل هشتم

# کیفر و عقاب گناه – گرچه پس از مدتی هم باشد – واقع می‌شود:

تردیدی نیست که جزای عمل چه نیک، چه بد واقع خواهد شد، و از جمله گول‌خوردگی این است که گناهکار می‌پندارد چون مجازاتی ندیده آمرزیده شده است، و چه بسا مجازات پس از مدتی، یا در آخرت واقع می‌شود، و به ندرت کسی گناهی کرده باشد و مجازات نشده باشد، پس لازم است! انسان مواظب کیفر گناه باشد، چون به ندرت از آن رهایی می‌یابد، و باید فوراً اقدام به توبه نماید، در روایت آمده: (هیچ چیزی زود به چیزی دیگر مانند حسنه جدید به گناه قدیمی الصاق نمی‌شود). و همراه با توبه گناهکار باید از مجازات پیش‌بینی شده بیمناک باشد، خدا با شفاعت توبه پیامبران پیشین را پذیرفت، آدم ؛ می‌گوید: گناهم، و ابراهیم و موسی إ می‌گویند: گناهم.

اگر کسی بگوید این آیه: ﮋ ﭰ ﭱ ﭲ ﭳ ﭴ ﮊ. (النساء: 123)[[89]](#footnote-89).

«هر كس عمل بدى انجام دهد، كيفر داده مى‏شود».

مقتضی این است که از گناهکار چشم‌پوشی نمی‌شود، در حالی که می‌دانیم توبه مورد پذیرش قرار می‌گیرد، و از خطا گناهکار چشم‌پوشی می‌شود، پس چه جوابی دارد؟

دو جواب داده‌اند: 1- این آیه بر گناهکاری حمل می‌شود که بر گناه مصر بوده و توبه نکرده باشد، چون توبه ماقبلش را پاک می‌کند.

2- به صورت اطلاق است (و این نظر ابن جوزی است، و قابل توجیه است) و ابن جوزی دلیل نقلی و عقلی آورده است.

دلیل نقلی: هنگامی که این آیه نازل شد ابوبکر گفت: ای پیامبر خدا ص آیا به هر گناهی مجازات می‌شویم؟ پیامبر ص فرمودند: «آیا بیمار نمی‌شوی، آیا غمگین نمی‌شوی، آیا سختی طاقت‌فرسا نداشتی؟ این کیفر شما بوده است».

دلیل عقلی: هنگامی که مؤمن پشیمان شود و توبه نماید افسوس او در هر لحظه بر گناه از هر مجازاتی سخت‌تر است، پس وای بر کسانی که تلخی مجازات دائمی را می‌شناسد، و لذت لحظه‌ای گناه را برمی‌گزیند!

## اغفال شدن به رحمت خداوند جهل است:

برخی مردم به رحمت خداوند اغفال می‌شوند، و تنها رحمت خداوند را مشاهده می‌کنند، و فراموش می‌کنند که خداوند (شدید‌العقاب) است.

ابوعمرو بن العلاء می‌گوید: فررزدق به نزد جماعتی که باهم درباره رحمت خداوند گفتگو می‌کردند نشست، و فررزدق از همه آنها امید و رجاء بیشتر داشت، به او گفتند: چرا به زنان پاکدامن تهمت می‌زنید؟ گفت: به من بگوئید اگر مانند نافرمانی پروردگار با پدر و مادرم انجام دهم آیا فکر می‌کنید آنها از ته دل دوست داشته باشند مرا به تنور مملو از آتش بیاندازند؟ گفتند: خیر، بلکه تو را عفو می‌کنند. گفت من به رحمت پروردگار از پدر و مادر بیشتر امیدوارم!

ابن جوزی در تعلیقی بر این قصه می‌گوید[[90]](#footnote-90): این نادانی محض است، چون رحمت پروردگار بشیوه لطافت و ملایمت قلبی نیست، و اگر این طور بود پرنده‌ای ذبح نمی‌گردید، و بچه‌ای نمی‌مرد، و کسی وارد جهنم نمی‌شد، اشتباه فررزدق از دو جهت است:

1- فررزدق فقط به جانب رحمت توجه کرده، و به عقاب و کیفر توجه نکرده است.

2- فراموش کرده که رحمت فقط برای توبه‌کنندگان است چنانچه قرآن می‌فرماید: ﮋ ﮕ ﮖ ﮗ ﮘ ﮊ . (طه: 82).

«و من برای کسی که توبه کند بسیار آمرزنده هستم».

و در آیه دیگر: ﮋ ﭥ ﭦ ﭧ ﭨﭩ ﭪ ﭫ ﭬﮊ. (الأعراف: 156).

«و رحمت و مهربانی من شامل هر چیزی است و کسانی که تقوا پیشه کنند رحمت من برای آنها حتمی و مخصوص آنهاست».

و امروزه اگر جوانی مرتکب گناهی می‌شود از برخی مردم شنیده می‌شود که می‌گویند: آنها جوان هستند، و خدا آمرزنده و مهربان است، و فراموش می‌کنند: که خدا شدیدالعقاب است.

🟔🏵🟔🏵🟔

# فصل نهم

# راه رهائی از گناهان شوم

درباره شوم بودن گناه و آثار مخرب آن بر فرد و جامعه بحث کردیم، و این به معنای نامیدی از رحمت خدا نیست، بلکه بیدار کردن بر خطرات گناه و رابطه دائمی با پروردگار است.

ابوهریره می‌گوید: پیامبر ص به نقل از پروردگار(در حديث قدسى) فرمودند: «بنده‌ام گناهی کرد سپس گفت: خدایا مرا عفو کن، خداوند ‌می‌فرماید: بنده‌‌ام گناه کرد و می‌داند خدایي دارد و مجازات می‌كند، و او را می‌بخشد، سپس دوباره گناه می‌کند و می‌گوید: خدایا مرا عفو کن، خداوند می‌فرماید: بنده‌‌ام گناه کرد و می‌داند خدای دارد و مجازات می‌كند، و او را می‌بخشد، سپس دوباره گناه می‌کند و می‌گوید: خدایا مرا عفو کن، خداوند می‌فرماید: بنده‌‌ام گناه کرد و می‌داند خدای دارد و مجازات می‌كند، و او را می‌بخشد، خداوند می‌فرماید: آنچه می‌خواهید انجام بده تو را بخشیدم»[[91]](#footnote-91).

معنای حدیث این است جز گمراهان کسی از رحمت خدا ناامید نمی‌شود، و انسان هر چه گناه انجام داده باشد نباید از رحمت خداوند مأیوس باشد، و ارتباط و ذکر همیشگی پروردگار سبب عفو و بخشش گناهان است، و یکی از صفات پروردگار (غفور و تواب) است، و در آن دو صفت دلالت بر وسعت رحمت و مغفرت پروردگار است، ولیکن باید انسان عاقل همیشه از گناهان بیم داشته باشد، هرچند هم توبه کرده باشد، چون اطلاعی از پذیرش توبه ندارد.

ابن جوزی : می‌گوید[[92]](#footnote-92): (بسیاری مردم را دیده‌ام به پذیرش توبه اطمينان و باور کرده‌اند و گویا یقین دارند، و این جز خدا کسی نمی‌داند، سپس اگر توبه مورد پذیرش واقع شده باشد، خجالت از انجام گناه همیشه ماندگار است، و ترس پس از توبه مورد تأیید است، چنانچه در صحاح آمده: مردم به نزد آدم ؛ می‌روند، آدم می‌گوید: گناهم، و به نزد نوح، ابراهیم، عیسی[[93]](#footnote-93) ﻹ می‌روند، و همگی می‌گویند: گناهم.

گناه پیامبران در واقع گناه نیست، و با وصف آن توبه کرده‌اند و پوزش طلبید‌ه‌اند، و پس از آن هم بیمناک بوده‌‌اند، و خجالت پس از توبه از بین نمی‌رود، چه زیباست فرموده فضیل بن عیاض :: «چقدر شرمسارم از تو ای خدایا، هر چند مرا ببخشید، به خدا سوگند بدبختی برای کسی است که گناه می‌کند و لذت لحظه‌ای را برمی‌گزیند، چون گناه حسرتی بجا می‌گذارد، هر چند هم مورد عفو قرار گیرد، هیچ وقت از دل انسان جدا نمی‌شود»[[94]](#footnote-94).

هنگامی که انسان از گناه کردن بیمناک باشد، و عمل نیک و حسنات محو‌کننده گناه انجام دهد، گناهان پیشین او باعث ورودش به بهشت می‌شود: اما چگونه است؟ ابراهیم بن أدهم در تفسیر این آیه:[[95]](#footnote-95) ﮋ ﭯ ﭰ ﭱ ﭲ ﭳ ﭴ ﮊ. (الرحمن: 46).

«و براى كسى كه از ايستادن در پيشگاه پروردگارش ترسيده (و به اوامر و نواهى او عمل كرده)، دو باغ بهشتى است!».

می‌فرماید: (اگر بخواهد گناهی انجام دهد از ترس خدا پرهیز می‌کند)، حسن می‌گوید: پیامبر ص فرمودند: (انسان گناهی انجام می‌دهد و بواسطه آن خداوند او را به بهشت وارد می‌کند، صحابه گفتند: ای پیامبر خدا چگونه وارد بهشت می‌شود؟ فرمود: در برابر چشمش (گريزان و توبه‌كنان) است تا او را به بهشت وارد می‌کند)[[96]](#footnote-96).

عرض سعید : کردند: عابدترین انسان کیست؟ گفت: (کسی است مرتکب گناه شده است و هر گاه گناهش را به یاد می‌آورد عملش را ناچیز می‌شمارد)[[97]](#footnote-97).

پس اگر خواستى از گناهان رهايى يابى خود را به استغفار تسمك جو، و اعمال نيك انجام بده، و از گناهانت بترس، و از خدا خاتمه نيكو آرزو كن.

و با این قصه بحث را به پایان می‌برم: سفیان ثوری : شبی تا صبح گریه کرد، و هنگامی که صبح شد کسی به او گفت: آیا این همه بخاطر ترس از گناه است؟ کاهی را از زمین برداشت و گفت: گناه از این آسان‌تر است، بلکه من بخاطر عاقبت و پایان بد گریه می‌کنم: ابن قیم : در هامش این قصه می‌گوید: (این نهایت دانش است که انسان بیم داشته باشد گناه در هنگام مرگ او را بدبخت کند، و عاقبت نیکو را به عاقبت بد تغییر دهد)[[98]](#footnote-98).

# فصل دهم

# گناهانی که باید از آن پرهیز شود، و پیامبر ص در حديث صحيح از آن نهی فرموده است:

1. **تکبر:** کسی که به اندازه ذره‌ای تکبر در دل داشته باشد وارد بهشت نمی‌شود.
2. **ریا:** کسی که خود را در بین مردم بزرگ جلوه دهد خداوند در قیامت او را شرمسار می‌کند، و هر کس ریا نماید خداوند اسرارش را فاش می‌کند.
3. **طلب علم بخاطر دنیا:** اگر کسی علمی یاد بگیرد – و از علومی باشد كه بخاطر خشنودى رضایت خدا بکار رود – و هدف از یادگیری آن، بدست آوردن دنیا باشد، بوی خوش بهشت را استشمام نمی‌کند.
4. **عمل برای مردم:** خداوند می‌فرماید: من از هر کسی به شرک بی‌نیازترم، هر کسی کاری برای من انجام بدهد و غیر من نیز منظورش باشد او را با شرکش تنها می‌گذارم.
5. **ترک نماز عصر و جمعه:** «هر کسی نماز عصر را ترک کند عملش بیهوده مى‌ماند». «هر کسی سه جمعه را از روی سهل‌انگاری ترک کند خداوند مهر بر قلبش می‌زند».
6. **کوتاهی در نماز:** «پیمان بین ما و كافران نماز است، هر کس آن را ترک نماید کافر است». «مرز بین کفر و شرک ترک نماز است».
7. **منع زكات:** صاحب طلا و نقره‌اى كه زكات آنرا نپردازد، روز قيامت ورقه‌هاى آهنى را در آتش جهنم گداخته شده و بر جنب و پيشاني و كمرش مى‌كشند، هر وقت سرد شد بار ديگر بر او كشيده مى‌شود، در روزى كه مدت آن پنجاه هزار سال است، تا اينكه بين خلايق حساب و قضاوت شود، و ببيند كه او از اهل آتش است يا از اهل بهشت.
8. **جاسوسی:** کسی که به سخن مردم گوش فرادهد – در حالی که دوست ندارند یا از او دوری می‌کنند – در روز قیامت فولاد گداخته به گوشش می‌ریزند.
9. **نمامّی:** «نمامّ وارد بهشت نمی‌شود» نمامّ: سخن‌چین است.
10. **غیبت:** «نام بردن کسی به چیزی است که دوست ندارد» پیامبر ص می‌فرماید: «در شب معراج جماعتی را دیدم ناخن‌های فولادی داشتند و با آن صورت و سینه خود را می‌شکافتند، گفتم: ای جبرئیل اينها کی هستند؟ گفت: اينها کسانی هستند كه گوشت مردم را می‌خوردند – کنایه از غیبت – و بدگوئی آبرو و حیثیت دیگران می‌کردند».
11. **نفرین کردن:** «نفرین کردن مؤمن مانند کشتن وی است». «نفرین‌کنندگان در روز قیامت نمی‌توانند شفاعت‌کننده و شاهد باشند».
12. **حسادت:** از حسد ورزیدن پرهیز کنید چنانچه آتش هیزم را می‌سوزاند، حسادت نیز حسنات را نابود می‌کند.
13. **تکفیر مسلمان:** هر کسی به برادر مسلمانش بگوید: ای کافر، این کلمه به یکی از آنها برمی‌گردد، اگر آن شخص کافر باشد به او برمی‌گردد، و در غیر این صورت به گوینده برمی‌گردد.
14. **ترساندن مؤمن:** «برای هیچ مسلمانی جایز نیست مسلمانی را بترساند» اگر کسی آهن يا چیز برنده‌ای را رو به برادر مسلمانش بگیرد، تا دست از آن كار برمی‌دارد فرشتگان او را نفرین می‌کنند.
15. **افشاء راز:** پست‌ترین انسان در روز قیامت کسی است که با همسرش خلوت می‌کند و سپس رازهای بین هم را نزد کسی بازگو می‌کند.
16. **ربا و سود:** پیامبر ص رباخوار و ربادهنده را لعن فرمودند: «اگر کسی با علم و آگاهی یک درهم رباخواری کند شدیدتر از 36 زناست».
17. **عادت به شراب:** پنج دسته وارد بهشت نمی‌شوند: کسی که به شرابخواری عادت گرفته است، کسی که به سحر باور دارد، کسی که صله رحم را بجا نمی‌آورد، کاهن، منت‌گذار.
18. **از خانه بیرون رفتن زنی که خود را عطرآگین کرده است:** هر چشمی زنا می‌کند، اگر زنی خود را عطرآگین نماید و از کنار جمعی – مرد – عبور نماید زناکار است.
19. **نظر حرام:** خدا بر انسان در هر چیزی زنايى قرار داده است، و خواهه يا نخواهد آن را می‌یابد، زنای چشم تماشای نامحرم است، و زنای گوش شنیدن حرام است، و زنای زبان سخن حرام است، و زنای دست‌ها .... قلب هوس و آرزو می‌کند، و شرمگاه گاهی آن را تأیید، و گاهی رد می‌کند.
20. **خلوت با زن نامحرم:** هیچ کدام از شما با زنی نامحرم خلوت نکند. چون نفر سومى آنها شیطان است.
21. **هم‌جنس‌بازی (لواط):** «خدا کسی را که عمل قوم لوط انجام می‌دهد نفرین کرده است». «اگر کسی را یافتید که عمل قوم لوط را انجام داد هم فاعل و هم مفعول را به قتل برسانید».
22. **زنا کردن:** «... با آنها رفتم خانه‌ای را دیدم بر روی تنوری ساخته بودند از طرف بالا تنگ و از طرف پائین واسع بود، و آتش در آن افروخته بودند، و مردان و زنانی لخت در آنجا بودند، هنگامی که آتش شعله‌ور می‌گردید از آنجا بلند می‌شدند تا جای که نزدیک بود خارج شوند، و اگر خاموش می‌گردید دوباره برمی‌گشتند، پرسیدم: آنها کی هستند؟ «سپس گفت: آنهائی که در تنور ديدى ؛ زناکاران هستند».
23. **تشبه مرد به زن و بالعکس، و همچنین تشبه به کافر:** «پیامبر زنانی که خود را به صورت مردان درمی‌آورند و مردانی که خود را به صورت زنان درآورند لعن و نفرین کرده است». «هر کسی شبیه قومی شود از جمله آنهاست».
24. **خال‌کوبی و پیوند مو:** خداوند پیونددهنده، مو و کسی كه خواستار آن است، و کسی که خال می‌کوبد، و کسی که خواستار خال‌کوبی است را لعن کرده است.
25. **ازدواج بدون ولیّ:** هر زنی بدون اجازه ولی و سرپرستش ازدواج کند ازدواجش باطل است، ازدواجش باطل است.
26. **نسبت دادن فرزند به غیر پدرش:** کسی که با علم و آگاهی ادعا کند که فرزند پدرش نیست بهشت بر وی حرام است.
27. **رفتار نکردن به علم و دانش:** مردی را در روز قیامت می‌آورند و در آتش افکنده می‌شود وروده‌هایش بیرون می‌آید، و در میان روده‌هایش مانند چرخیدن الاغ در آسیاب دور می‌زند، و جهنمیان بر او جمع می‌شوند و می‌گویند ای فلانی چرا این طور هستی؟ مگر تو نبودی كه ما را امر به معروف و نهی از منکر می‌کردی؟ پاسخ می‌دهد من شما را امر به معروف می‌کردم و خود انجام نمی‌دادم، و شما را نهی از منکر می‌کردم و خود انجام می‌دادم.
28. **كتمان و پنهان کردن علم:** کسی که از او چیزی بپرسند و با وصف آگاهی جواب ندهد در روز قیامت لگام آتشین در دهانش می‌گذارند.
29. **دروغ بر پیامبر ص:** «دروغ بستن بر من مانند دروغ بستن بر هیچ کسی نیست، هر کسی عمداً بر من دروغی ببندد جایگاه خویش در آتش را آماده کند.
30. **دروغ گفتن:** «حذر! حذر از دروغ گفتن، چون همراه فسق است و هر دو در جهنم است» مؤمن دروغ نمی‌گوید: «شب معراج دو مرد به نزدم آمدند و گفتند: آن شخصی که گوشه دهانش را چاک چاک می‌کند دروغگوی بود، کارش دروغگوئی بود و دروغی كه می‌گفت به آفاق می‌رسید.
31. **دروغ گفت به شوخى:** وای بر کسی که دروغ می‌گوید تا مردم بخندند. واي بر وي! واي بر وى!
32. **خود پاک نگه نداشتن از ادرار:** از ادرار خود را پاک نگهدارید چون اولین چیزی است که انسان به آن در قبر محاسبه می‌شود.
33. **سفر زن بدون همراهی محرم:** برای هیچ زنی که به خدا و روز آخرت ایمان دارد حلال نیست مسافت یک روز – جز با همراهی محرمی – سفر نماید.
34. **نوحه‌سرایی:** کسی که بر وی نوحه‌سرایی و زاری می‌کنند در روز قیامت به آن معذب می‌شود «خداوند زن نوحه‌سرا و گوش‌دهنده به وی را نفرین کرده است».
35. **فراخواندن به گمراهی:** هر کسی مردم را به گمراهی فراخواند گناه آنها بر دعوتگر است بدون اینکه چیزی از گناه آنها کم شود.
36. **سوگند به غیر خدا:** «هر کس به غیر خدا سوگند یاد کند یا کافر يا مشرک می‌شود». «هر کس سوگند یاد می‌کند یا به خدا سوگند یاد کند و یا ساکت شود».
37. **سوگند دروغ:** هر کسی با سوگند دروغ مال کسی را تصرف نماید، پروردگار را ملاقات می‌کند در حالی که از او خشمگین است.
38. **سوگند در معاملات:** «از سوگند فراوان در معاملات پرهیز کنید چون معامله را رواج می‌‌دهد سپس نابود می‌کند». «سوگند کالا را رواج و برکت را نابود می‌کند».
39. **دزدی:** «هیچ دزدی دزدی نمی‌کند مگر اینکه به هنگام دزدی مؤمن نیست». «خداوند دزدی را که تخم‌مرغ می‌دزدد و دستش قطع می‌شود نفرین کرد».
40. **غصب زمین:** کسی ظالمانه یک وجب زمین کسی را غصب کند خدا روز قيامت هفت طبقه زمین را طوق گردنش می‌گرداند.
41. **ساختن بنا بر قبر:** پیامبر ص از گچ‌کاری قبر و نشستن بر روی آن و ساختن بنا بر آن نهی فرمود.
42. **نیرنگ:** هنگامی که خداوند تمام خلایق را در روز قیامت گردآوری می‌کند، برای هر خیانت‌کاری پرچمی برافراخته می‌شود، و می‌گویند این خیانت فلانی فرزند فلانی است.
43. **نشستن بر قبر:** اگر کسی بر اخگر(آتش پاره‌ای) بنشیند و لباسش سوخته شود، بهتر از نشستن بر قبری است.
44. **عزاداری بر مرده:** برای زنى که به خدا و روز آخرت ایمان دارد حلال نیست بیشتر از سه روز بر مرده – جز براى شوهر – سوگواری نماید.
45. **تکدی کردن:** سه چیز بر آن قسم می‌خورم، و سخنی برای شما می‌گویم آن را حفظ نمائید ... هیچ کسی باب تکدی را باز نمی‌کند مگر اینکه خداوند باب فقیری را بر وی باز می‌کند.
46. **خیانت در معامله:** پیامبر ص از فروختن شخص شهری برای صحرائی «بیابانی یا روستائی» و خیانت در معامله، و معامله بر معامله برادر دینی نهی فرمود.
47. **زنانی که به زیارت قبرستان می‌روند:** «خداوند زنانی را که به زیارت قبرستان می‌روند نفرین کرده است» ام عطیه ك می‌گوید: ما زنان از رفتن به تشیع جنازه منع شده‌ایم، ولی بر ما به صورت جدی مصمم نبود.
48. **اجتناب کردن زن:** اگر مردی تقاضای همبستری از همسرش نماید و او ممانعت نماید تا صبح فرشتگان او را نفرین می‌کنند.
49. **خیانت به زیردستان:** هر کسی خدا او را بر گروهی برتری داده باشد و به هنگام مرگش معلوم شود به آنها خیانت کرده است پروردگار بهشت را بر وی حرام می‌گرداند.
50. **فتوی دادن بدون علم و آگاهی:** کسی که برای وی فتوی بدون آگاهی داده باشند گناهش بر فتوادهنده است.
51. **تقاضای طلاق:** هر زنی بدون مشکل از همسرش خواستار طلاق باشد بوی بهشت بر وی حرام است.
52. **سخنی کـه باعث خشم پروردگار شـود:** کسی حرفی – از خشم پروردگار – می‌زند و به آن مبالات نمی‌دهد، در حالی که ممکن است بواسطه آن هفتاد سال در جهنم سقوط کند.
53. **سخن به غیر ذکر خدا:** به غیر یاد و ذکر خدا زیاد سخن نگوئید چون باعث سنگدلی می‌شود.
54. **قهر با مسلمانی:** «برای هیچ مسلمانی حلال نیست بیش از سه روز از برادر دینی‌اش قهر باشد». «هر کسی یک سال با برادرش قهر باشد مانند آن است که او را کشته باشد».
55. **ناسزاگوئی:** بدترین انسان در روز قیامت کسی است که مردم از ترس فحش و ناسزاگوئی او را ترک کرده‌اند.
56. **کسی که هدیه‌ای می‌دهد و دوباره پشیمان می‌شود:** «کسی که خواستار برگرداندن هدیه‌اش است مانند سگی است قی می‌کند سپس به آن دوباره برمی‌گردد». «برای هیچ مسلمانی حلال نیست هدیه‌ای به کسی بدهد سپس پشیمان شود و خواستار هدیه‌اش باشد».
57. **اعلان گم شده در مسجد:** هر كس شنيد مردى گم شده‌‌اش را در مسجد اعلان مى‌كند بگويد: خدا گم شده‌‌ات را برنگرداند، چون مساجد براى چنين چيزها ساخته نشده است.
58. **مرور از جلو نمازگذار:** اگر مرورکننده‌‌ای از جلو نمازگذار می‌دانست چه کیفری دارد، همانا چهل سال می‌ایستاد بهتر بود برای وی تا از جلو او عبور نماید.
59. **اذیت و آزار نماز‌خوان:** هر کسی که پیاز و سیر و تره‌فرنگی بخورد نباید به مسجد ما نزدیک شود چون فرشتگان به آنچه که انسان را آزار می‌رساند اذیت می‌شوند.
60. **نوشیدن‌های که منع شده‌اند:** پیامبر ص از نوشیدن از دهانه مشک آب نهی کردند: «پیامبر ص از نوشیدن با حالت ایستاده جلوگیری کرد.
61. **نوشیدن با دست چپ:** هیچ یکی از شما با دست چپ چیزی نخورد و ننوشد چون شیطان با دست چپ می‌خورد و می‌نوشد.
62. **قطع صله رحم:** «کسی که قطع خویشاوندی می‌کند وارد بهشت نمی‌شود، هیچ گناهی مستحق‌تر به کیفر زودرس پروردگار در دنیا – با وصف ذخیره کیفر آخرت– از قطع خویشاوندی و خیانت و دروغ نیست». «زودرس‌ترین پاداش اعمال برای صله رحم است، تا جای که خانواده بدکار نیز با صله رحم دارائی و تعداد آنها فزونی می‌یابد».
63. **صلوات نفرستادن بر پیامبر ص:** «بـه خاک مالیده شود – بی‌ارزش شود – بينى آن کسی که اسم من در نزدش برده شود و صلوات بر من نمی‌فرستد». «بخیل‌ کسی است نام من نزدش برده می‌‌شود و صلوات برمن نمی‌فرستد».
64. **مهمل گفتن ومتکلفانه سخن گفتن:** منفورترین شما نزد من و دورترین کس از من در روز قیامت: آدم‌های مهمل‌گو و یاوه‌گو و پرگو هستند.
65. **نگهداری سگ:** هر کس سگی را – بجز سگ شکاری یا سگ گله نگهداری کند، هر روز دو قیراط «دو پیمانه بزرگ» از پاداشش کاهش می‌یابد.
66. **اذیت کردن حیوانات:** زنی بواسطه گربه‌ای وارد جهنم شد، چون گربه را حبس کرد، و نه خوراکی به آن داد! و نه هم رهایش کرد تا از حشرات زمین چیزی بخورد تا از لاغری مرد. چيز جاندار را به بازى و اذيت نگيريد.
67. **نقاشى و عکس کشیدن:** «سخت‌ترین عذاب روز قیامت برای کسانی است که (جاندار) را نقاشی می‌کنند» فرشتگان وارد خانه‌ای نمی‌شوند كه در آن سگ یا عکس است.
68. **دشمنی کردن با دوستان خدا:** خداوند می‌فرماید: هر کسی با یکی از دوستان من دشمنی کند با او اعلام جنگ می‌کنم.
69. **قتل پناه‌آورنده:** هر کسی پناهنده‌اي‌ را به قتل برساند وارد بهشت نمی‌شود، و شمیم و بوی بهشت، در مسیر یکصد سال را می‌یابد.
70. **محروم کردن وارث از ارث:** هر کس وارثش را از ارث محروم نماید، خداوند او را از بهشت محروم می‌نماید.
71. **پنج چیز با پنج چیز واقع می‌شود:** پنج چیز اگر به آن مبتلا شدید حال شما چگونه خواهد بود و - به خدا پناه می‌گیرم که شما را فرانگیرد – هیچگاه فحشاء در بین قومی بصورت علنی آشکار نشده است مگر اینکه خشکسالی و طاعونی که در – بین گذشتگان آنها سابقه نداشته - در بین آنها شیوع می‌یابد. و خیانت در ترازو و پیمانه انجام نداده‌‌اند مگر اینکه به خشکسالی و تنگدستی و ظلم حاکم گرفتار شده‌اند. و زکات اموال پرداخت نکرده‌اند مگر اینکه از بارش باران محروم شده‌اند. و اگر چارپایان نبود باران نمی‌بارید. و عهد و پیمان خدا و پیامبرش ص را نقض نکرده‌اند. مگر اینکه خداوند دشمنی از غیر آنها بر آنان مسلط کرده است، و برخی از آنچه داشته‌اند را تصرف کرده است، و امرای هیچ قومی به کتاب خدا عمل نکرده‌اند مگر اینکه باعث بدبختی در بین آنها بوده‌اند.

🟔🏵🟔🏵🟔

# خاتمه

هنگامی که می‌خواهیم در دنیا و آخرت سالم باشیم باید از عاقبت گناهان بیمناک و برحذر باشیم، و این جز با ترک گناهان و دوری از آن، و طلب آمرزش دائمی ممکن نیست.

ابن جوزی : می‌گوید: (باید هر انسان عاقل و فهیمی از عاقبت گناهان بیمناک باشد و حذر کند، چون در بین انسان و پروردگار فامیلی و نسب نیست، بلکه بر مبنای قسط و عدالت است، هر چند مهربانی او شامل همه گناهان می‌شود، و اگر بخواهد با گناه ناچیزی آدم را شرمسار می‌‌نماید، امان! امان!)[[99]](#footnote-99).

مطالبی که ملاحظه کردید چیزی بود دوست داشتم در این بحث کوتاه بخاطر اهمیت موضوع و گله و شکایت مردم از سنگدلی، و از بین رفتن برکات، و وسوسه‌های شیطانی به آن اشاره کنم و خصوصاً عامل اصلی آن شوم بودن گناه – پناه به خدا – می‌باشد، پس اگر خطا و اشتباهی در آن پیدا کردید از بنده حقیر است، واستغفرالله العظیم.

**والحمدلله الذي بنعمته تتم الصالحات.**

هیچ دعای سودمندتر از دعای غائب برای غائب نیست.

ای خواننده به خدا سوگندت می‌دهم:

که برای نویسنده طلب آمرزش بنمائید.

ریاض / اول محرم 1421 هجری

**نویسنده:**

أبومحمد عبدالله بن محمد بن عبدالرحمن السدحان

منابع و مأخذ

1. قرآن کریم.
2. تفسیر رازی، رازی.
3. مختصر صحیح بخاری، زبیدی.
4. مختصر صحیح مسلم، منذری با تحقیق البانی.
5. صحيح سنن أبی داود، البانی.
6. صحيح سنن ترمذی، البانی.
7. صحیح جامع الصغیر، البانی.
8. فتح‌ الباری، ابن‌حجر عسقلانی.
9. جامع الاصول، ابن کثیر.
10. النوافخ العطرة، صفدی.
11. تأویل مشکل الحدیث، ابن قتیبة.
12. صحيح سنن ابن ماجه، البانی.
13. تمییز مشکل الحدیث، عبدالرحمن اثری.
14. الحلیه، ابونعیم.
15. تذکرة السامع والمتکلم، کنانی.
16. تهذیب مدارج السالکین، عبدالمنعم العزی.
17. احیاء علوم الدین، غزالی.
18. فتاوی شیخ الاسلام ابن تيمية، ابن تیمیة.
19. الزهد، ابن تیمیة.
20. الفوائد، ابن قيم.
21. أداب الدنیا والدین، ماوردى.
22. الجواب الکافی، ابن قيم.
23. الأذکار، نووي.
24. صید الخاطر، ابن جوزي.
25. طریق الهجرتین و باب السعادتین، ابن قیم.
26. الایمان الاوسط، ابن تیمیة.
27. ذم الهوی، ابن جوزی.
28. مفتاح دارالسعادة، ابن قیم.
29. التوبة، محاسبی.
30. تلبیس ابلیس، ابن جوزی.
31. الآداب الشرعیة، مقدسی.
32. تسلیة اهل المصائب، ابن رجب.
33. الحسن البصری، ابن جوزی.
34. نثر الدرر، ابوسعید الآبی.
35. الأمراض الخبیثة عقوبة إلهیة، د- عبدالحمید قضاةه.
36. الطب محراب الإیمان، د- خالص جلبی.
37. مجموع أخبار آخر الزمان، مشعلی.
38. ابن تیمیة بطل لاصلاح الدینی، محمد مهدی استانبولی.
39. التدریبات العملیة في علم الموجة الذاتية، یحیی حمزه شولک.
40. معانی القرآن الکریم، ابوجعفر نحاس.
41. معانی القرآن، زجاج.

1. - کتاب ادب دنىا و دىن، «260»، تألىف ماوردى. [↑](#footnote-ref-1)
2. - ابلىس در واقع اصلاً توبه نکرد. وگرنه خداوند تواب و رحىم است، چون مى‌فرماىد: ﮋﮕ ﮖ ﮗ ﮘ ﮙ ﮚ ﮛ ﮜ ﮝ ﮞ ﮊ.(طه:82). «و من هر كه را توبه كند، و ايمان آورد، و عمل صالح انجام دهد، سپس هدايت شود، مى‏آمرزم!». [↑](#footnote-ref-2)
3. - کتاب الفوائد، «250»، تألىف ابن قىم. [↑](#footnote-ref-3)
4. - مختصر صحىح مسلم، «حدىث 864، ص: 219»، تألىف منذرى. [↑](#footnote-ref-4)
5. - صحىح ترمذى، «3/53»، ناصرالدىن البانى. [↑](#footnote-ref-5)
6. - کتاب ادب دىن و دنىا، «260»، تألىف ماوردى. [↑](#footnote-ref-6)
7. - کتاب صحىح بخارى، «12/198»، شماره حدىث «6867». [↑](#footnote-ref-7)
8. - کتاب الفوائد، تألىف ابن قىم جوزى، «ص: 138-139». [↑](#footnote-ref-8)
9. - کتاب الزهد، «ص 103»، تألىف امام احمد، امام ابن تىمىه در تفسىر اىن آىه **«اذکرنى عند ربک»** مى‌گوىد: معناى سخن ىوسف توکل نداشتن او بخدا نبوده است، چون ىوسف گفته است: **«إن الحکم إلا لله»**، و گفته ىوسف: ﮋ ﯙ ﯚ ﯛ ﮊ. (يوسف:٤٢). **«**مرا نزد صاحبت (سلطان مصر) يادآورى كن!». مانند قولش: ﮋ ﭵ ﭶ ﭷ ﭸﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﭽﮊ. (يوسف:٥٥). «مرا سرپرست خزائن سرزمين (مصر) قرار ده، كه نگهدارنده و آگاهم!» است، پس هنگامى که تقاضاى رىاست مى‌کند بخاطر مصلحت دىنى، اىن خواست رىاستى نىست که از آن نهى شده، و آن گفته منافى توکل نىست، و منظور ىوسف از اىن گفته: ﮋ ﯙ ﯚ ﯛ ﮊ. تنها خبر دادن به پادشاه بوده است تا آگاه شود و حق آشکار گردد، و ىوسف از اولىن توکل‌کنندگان بوده است»، فتاوى ابن تىمىه، 15/113-114». [↑](#footnote-ref-9)
10. - به جناىاتى که ىهودىان امروزه در جهان انجام مى‌دهند بنگرىد، هر جناىتى در جهان رخ دهد ىهودىان به خاطر رسىدن به اهداف شوم خوىش در آن دست دارند. [↑](#footnote-ref-10)
11. - چون غذاىى بهشتى بود. [↑](#footnote-ref-11)
12. - و احتىاج به ىخچال و سردخانه براى نگهدارى غذا نداشتىم، و آن زمان تارىخ نمو مىکروب در فضا محسوب مى‌شود. [↑](#footnote-ref-12)
13. - مختصر صحىح مسلم، «شماره حدىث 864»، تألىف منذرى با تحقىق البانى، «ص: 219». [↑](#footnote-ref-13)
14. - ىعنى لعنت پروردگار، چنانچه قرآن مى‌فرماىد: ﮋ ﯘ ﯙ ﯚ ﯛ ﯜﯝ ﯞ ﯟ ﮊ .(القصص:٤٢). **«**و در اين دنيا نيز لعنتى بدنبال آنان قرار داديم; و روز قيامت**».** پس آنطور نىست که باستان‌شناسان مى‌گوىند: فرعون اموال و گنجىنه‌اش را طلسم کرده است و هر کس بدنبال آن باشد مورد لعن فرعون قرار مى‌گىرد، بلکه آنچه از نوشته‌هاى هىروغلىف و پس وى بدست آمده است علت عدم دسترسى به گنجینه‌ها لعنت خداست. اين مصداق حديث رسول الله ص است كه مى‌فرمايد: **«لا تدخلوا على هؤلاء المعذبين إلاَّ أن تكونوا باكين، فإن لم تكونوا باكين فلا تدخلوا عليهم أن يصيبكم مثل ما أصابهم».** رواه أحمد. بر اينان كه مورد عذاب شده‌اند وارد نشويد مگر اينكه گريه‌كنان باشيد، و اگر چنين نباشيد بر آنها وارد نشويد كه ممكن است شما هم مورد عذاب واقع شويـد. و فرمان رسـول الله ص در باره با سرعت رفتن در وادى محسر كه در بين مزدلفه و صحراى منى واقع است، چون در آنجا خداوند اصحاب فيل را هلاك كرد. [↑](#footnote-ref-14)
15. - و اىن کار امروزه از جهت علمى به (امواج ذاتى) ىا نىروى کشفى معروف است و به سبب آن بر وجود آب و معدن و آثار باستانى از طرىق نىروى جاذبه زمىن و اشکال هندسى – که تا بحال علمى مجهول است، پى برده مى‌شود. و امروزه جز آثار آن، و آن هم در داىره تنگى ىافت نمى‌شود. و آن هم جز بخاطر شومى گناه و معصىت نىست. و به همىن خاطر معجزه هر پىامبرى با آن چه که قومش در آن تواناىى داشته‌اند همانند بوده است. مثلاً قوم موسى ؛ در نيرو وعصاى کشفى و سحر چىره‌دست بوده‌اند. ﮋﭵ ﭶ ﭷ ﮊ. (الشعراء:٤٤). «آنها طنابها و عصاهاى خود را افكندند». پس عصاى موسى = =با معجزه به اژدهاىى حقىقى تبدىل شد. و معجزه چشمه‌هاى روان خشک شدن درىا. و همچنىن قوم عىسى ؛ در علم طبابت چىره‌دست بودند به همىن خاطر معجزه عىسى ؛ زنده كردن مردگان – با اذن خدا – و شفاى کوران و بىماران بوده است. و قوم صالح ؛ در تراشىدن کوهها چىره‌دست بودند و بر آن مجسمه‌ها مى‌تراشىدند پس معجزه صالح بىرون آمدن آن شتر از دل کوه بوده است. و قوم پىامبر محمد ص در شعر و بلاغت مهارت داشتند پس معجزه آن حضرت ص قرآن است که تا روز قىامت با بلاغت عظىم و علوم فراوان آن ماندگار خواهد بود. که خود دلىلى بر ماندگار بودن علم و قرآن تا روز آخرت است. [↑](#footnote-ref-15)
16. - صحىح جامع، تألىف البانى، «شماره حدىث 2960». [↑](#footnote-ref-16)
17. - کتاب السنة، تألىف ابوعاصم با تحقىق البانى، «ص: 427، 426». [↑](#footnote-ref-17)
18. - بنظرم «خدا مى‌داند» علت زىاده‌روى حجاج در کشتار مردم خو گرفتن به اىن سخن بوده است. [↑](#footnote-ref-18)
19. - به اىن کلمه بنگر: ىک کلمه بود ولى چطور نسل در نسل انتقال ىافت و شوم بودن گناه همگى را فراگرفت، پىامبر ص راست فرموده: انسان سخن زشتى را مى‌زند و آن را ساده مى‌گىرد چه بسا آن سخن باعث مى‌شود هفتاد سال در جهنم سقوط کند. [↑](#footnote-ref-19)
20. - مختصر صحىح مسلم، تألىف منذرى، با تحقىق البانى، «شماره حدىث 637، ص: 170». [↑](#footnote-ref-20)
21. - مختصر صحىح مسلم، تألىف منذرى، «ص: 480-481، شماره حدىث 1820». [↑](#footnote-ref-21)
22. - تأوىل مشکل الحدىث، تألىف ابن قتىبه، «ص: 233». [↑](#footnote-ref-22)
23. - جواب الکافى، تألىف ابن قىم، «ص: 16». [↑](#footnote-ref-23)
24. - تأوىل مشکل الحدىث، تألىف ابن قتىبه، «ص: 233». [↑](#footnote-ref-24)
25. - جواب الکافى، تألىف ابن قىم، «ص: 16» (مراد از بى‌گناه: حىوانات و حشرات است). [↑](#footnote-ref-25)
26. - تأوىل مشکل الحدىث، تألىف ابن قتىبه، «ص: 236». [↑](#footnote-ref-26)
27. - عمر اىن سخن را بخاطر اىن گفت: چون به نظر وى امر براى وجوب نبود بلکه از باب ارشاد به اصلح بود و بخاطر اىن بود که پىامبر ص اذىت نشود و فرموده قرآن: ﮋ ﮀ ﮁ ﮂ ﮃ ﮄ ﮅ ﮊ . (الأنعام:٣٨). «ما هيچ چيز را در اين كتاب، فرو گذار نكرديم». را در ذهن داشت. و هركس گمان كند كه عمر مانع نوشته رسول الله ص شده است، خداوند را به ناتوانى، و پيامبر را به تقصير و كوتاهى در تبليغ متهم و توصيف كرده است، بلكه چنانكه اهل علم گفته‌اند دين خداود كامل است و اين امر فقط براى تأكيد و راهنمايى و ارشاد بوده است. [↑](#footnote-ref-27)
28. - صحىح بخارى، «114، 4432، 5669، 7366»، صحىح مسلم، «1637، (22)». [↑](#footnote-ref-28)
29. - کتاب الطب، تألىف امام نسائى، «ص: 44» با تحقيق سامى تونى. [↑](#footnote-ref-29)
30. - النوافخ العطرة، تألىف صفدى، «ص: 86». [↑](#footnote-ref-30)
31. - کتاب الزهد، تألىف امام احمد، «ص: 72». [↑](#footnote-ref-31)
32. - مختصر صحىح مسلم، «ص: 470، شماره حدىث 1762»، تألىف منذرى، با تحقىق البانى. [↑](#footnote-ref-32)
33. - فرموده پروردگار: ﮋ ﯦ ﯧ ﯨ ﮊ. «کهف، آىه 82»، بر آن دلالت مى‌کند. [↑](#footnote-ref-33)
34. - مختصر صحىح مسلم، تألىف منذرى، «ص: 471» حديث (1764). [↑](#footnote-ref-34)
35. - صىد الخاطر، تألىف ابن جوزى، «ص: 391». [↑](#footnote-ref-35)
36. - سنن ابن ماجه، «شماره 4019»، کتاب الحلىة، تألىف ابونعىم، «ص: 8/333» الأحاديث الصحيحة البانى شماره 106. [↑](#footnote-ref-36)
37. - کتاب امراض الجنسىة عقوبة الهىة، تألىف دکتر عبدالحمىد القضاة، ص«13». [↑](#footnote-ref-37)
38. - و از بىمارى‌هاى نابود‌کننده: (سرطان، سکته، خراب شدن کلىه، و .... مى‌باشد، در واقع اگر رحمت پروردگار شامل مبتلا به سرطان نشود حکم به اعدام است، و عوامل آن: اشعه و آثار مخرب کارخانه‌ها و سوء تغذىه و عادات ناپسند و انحرافات و از همه مهم‌تر شومى گناه است، خداوند مى‌فرماىد: ﮋ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﭚ ﭛ ﭜ ﭝ ﭞ ﭟ ﭠ ﭡ ﭢ ﭣ ﮊ.(الأعراف:٩٦( . «و اگر اهل شهرها و آباديها، ايمان مى‏آوردند و تقوا پيشه مى‏كردند، بركات آسمان و زمين را بر آنها مى‏گشوديم; ولى (آنها حق را) تكذيب كردند; ما هم آنان را به كيفر اعمالشان مجازات كرديم». کتاب الطب محراب الإيمان، تألىف دکتر خالص حلبى، «ص: 124». [↑](#footnote-ref-38)
39. - ترمذى و طبرانى، کتاب تمىىز الطىب من الخبيث، عبدالرحمن اثرى، «ص: 171»، الأذکار، تألىف امام نووى، «ص: 542». [↑](#footnote-ref-39)
40. - کتاب الزهد، تألىف امام احمد، «ص: 342». [↑](#footnote-ref-40)
41. - کتاب صىد الخاطر، تأْلىف ابن جوزى، «ص: 391». [↑](#footnote-ref-41)
42. - الفوائد، «ص 257»، تألىف ابن قىم، سىر أعلام البناء، «1/496». [↑](#footnote-ref-42)
43. - أحمد، الطبراني، الحاكم. ونگا: مجموع أخبار آخر زمان، «ص: 129»، تألىف مشعلى. [↑](#footnote-ref-43)
44. - سنن أبى داود، با تحقىق البانى، «شماره حدىث 4905». [↑](#footnote-ref-44)
45. - روايت مسلم وأبوداود. صحيح سنن أبى داود، با تحقىق البانى، «شماره حدىث 4907». [↑](#footnote-ref-45)
46. - مختصر صحيح سنن أبى داود، با تحقىق البانى 3/927، «شماره حدىث 4101». [↑](#footnote-ref-46)
47. - مختصر صحىح بخارى، زبىدى، «ص: 466، شماره حدىث 3007». [↑](#footnote-ref-47)
48. - مختصر صحىح بخارى، «ص: 469، شماره حدىث 2030»، در حدىث آمده «**لا ىرمى رجل رجلاً بالفسوق، و لاىرمىه بالکفر إلاَّ ارتدت علىه ان لم ىکن صاحبه کذلک**». «هركس, فرد ديگرى را متهم به فسق يا كفر كند و او اينگونه نباشد فسق و كفر، به خودش بر مى‌گردد». [↑](#footnote-ref-48)
49. - الفوائد، ابن قىم «ص: 106». [↑](#footnote-ref-49)
50. - الزهد، امام احمد، «ص: 69». [↑](#footnote-ref-50)
51. - جواب الکافى، ابن قىم، «ص: 54 تا 107». [↑](#footnote-ref-51)
52. - الفوائد، تألىف ابن قىم، «ص: 152، 151». [↑](#footnote-ref-52)
53. - الفوائد، ابن قيم ص 151-152. [↑](#footnote-ref-53)
54. - الفوائد، تألىف ابن قىم، «ص: 152». [↑](#footnote-ref-54)
55. - الزهد، تألىف امام احمد، «2/242». [↑](#footnote-ref-55)
56. - تهذىب مدارج السالکىن، «ص: 123». [↑](#footnote-ref-56)
57. - صحىح جامع صغىر، «4391». روايت أحمد در مسند، وترمذى. [↑](#footnote-ref-57)
58. - إحىاء علوم‌الدىن، تألىف امام غزالى، «4/155». [↑](#footnote-ref-58)
59. - ذم‌الهوى، تألىف ابن جوزى، «ص: 103». [↑](#footnote-ref-59)
60. - ذم‌الهوى، تألىف ابن جوزى، «ص: 174». [↑](#footnote-ref-60)
61. - صحىح الجامع الصغىر، «5/200». [↑](#footnote-ref-61)
62. - صحىح مسلم، «2702». [↑](#footnote-ref-62)
63. - صحىح مسلم، «2747». [↑](#footnote-ref-63)
64. - تهذىب مدارج السالکىن، تألىف ابن قىم، با تلخىص عبدالمنعم العزى، «ص: 157». [↑](#footnote-ref-64)
65. - تهذىب مدارج السالکىن، تألىف ابن قىم، با تلخىص عبدالمنعم العزى، «ص: 157». [↑](#footnote-ref-65)
66. - ذم‌الهوى، تألىف ابن جوزى، «ص: 174». [↑](#footnote-ref-66)
67. - صحىح جامع الصغىر، «1/575». [↑](#footnote-ref-67)
68. - الزهد، تألىف امام احمد، «ص: 30». [↑](#footnote-ref-68)
69. - التوبه، تألىف محاسبى، «ص: 52». [↑](#footnote-ref-69)
70. - النوافخ العطره، تألىف صفدى، «ص: 86». [↑](#footnote-ref-70)
71. - تذكرة السامع والمتكلم، تألىف كتاني، «ص: 68». [↑](#footnote-ref-71)
72. - صىد الخاطر، تألىف ابن جوزى، «ص: 51». [↑](#footnote-ref-72)
73. - آداب الشرعىه، تألىف مقدسى، «ص: 1/97». [↑](#footnote-ref-73)
74. - احىاء علوم‌الدىن، غزالى، «ص: 4/195». [↑](#footnote-ref-74)
75. - صحىح بخارى، «ص: 6465». [↑](#footnote-ref-75)
76. - تهذىب‌ مدارج السالکىن، تألىف ابن قىم، با تخلىص العزى، «ص: 123». [↑](#footnote-ref-76)
77. - التوبه، تألىف محاسبى، «ص: 55». [↑](#footnote-ref-77)
78. - ادب دنىا و دىن، تألىف ماوردى، «ص: 105». [↑](#footnote-ref-78)
79. - مختصر صحىح مسلم، امام نووى، «شماره حدىث 119، ص: 41». [↑](#footnote-ref-79)
80. - مختصر صحىح مسلم، امام نووى، «شماره حدىث 1922، ص: 511». [↑](#footnote-ref-80)
81. - جامع الأصول، «10/476»، «شماره حدىث 8012». [↑](#footnote-ref-81)
82. - مختصر صحىح مسلم، «شماره حدىث، ص 477». [↑](#footnote-ref-82)
83. - تسلىة أهل المصائب، «ص: 250». [↑](#footnote-ref-83)
84. - الاىمان الاوسط، تألىف ابن تىمىه، «ص: 29-43». [↑](#footnote-ref-84)
85. - طرىق الهجرتىن و باب السعادتىن، تألىف ابن قىم، «ص: 176، 175». [↑](#footnote-ref-85)
86. - تفسىر رازى، «1/244». [↑](#footnote-ref-86)
87. - به رواىت ابن ماجه‌، «ج 2، شماره حدىث 1418». [↑](#footnote-ref-87)
88. - جواب الکافى، تألىف ابن قىم، «ص: 47». [↑](#footnote-ref-88)
89. - صىد الخاطر، تألىف ابن جوزى، «ص: 391، 392». [↑](#footnote-ref-89)
90. - تلبىس ابلىس، تألىف ابن جوزى، «ص: 391، 392». [↑](#footnote-ref-90)
91. - مختصر صحىح مسلم، «شماره حدىث 1935، ص: 514». [↑](#footnote-ref-91)
92. - صىد الخاطر، تألىف ابن جوزى، «ص: 330، 331». [↑](#footnote-ref-92)
93. - اىن نظر ابن جوزى درباره عىسى ؛ درست نىست، چون در صحاح گناهى از عىسى ذکر نکرده است. [↑](#footnote-ref-93)
94. - صىد الخاطر، تألىف ابن جوزى، «ص: 331». [↑](#footnote-ref-94)
95. - الزهد، امام احمد، «ص 437». [↑](#footnote-ref-95)
96. - الزهد، امام احمد، «ص: 474». [↑](#footnote-ref-96)
97. - الزهد، امام احمد، «ص: 464». [↑](#footnote-ref-97)
98. - النوافخ العطره، صفدى، «ص: 86». [↑](#footnote-ref-98)
99. - صىد الخاطر، ابن جوزى، «ص: 132». [↑](#footnote-ref-99)